

کوردستان

مهیم بلوچ:

(جمهوری کوردستان) بررسی
تاریخی – پژوهشی زمینه‌ها،
ساختار، سقوط و پیامدها

۳

ابراهیم لاجانی:

«کوردستان» به‌منابه یک مکتب
و سازه‌ی آموزشی

۵

سوران علیپور:

«کوردستان»؛ هشتاد سال
حفاظت از زبان و هویت

۷

عزیز شیخانی:

توهم اقتدار جمهوری اسلامی
فرو ریخته است

۴

سهراب رحمتی

مجلسی رژیم؛
از نهاد نمایندگی تا ابزار قدرت

۶

شاهو حسینی:

از حکمرانی تا بقا: جمهوری
اسلامی در آستانه فروپاشی

۷

ارگان رسمی حزب دموکرات کوردستان ایران

www.kurdistanmedia.com

شماره ۹۱۰ ■ جمعه، ۱۹ دی ۱۴۰۴ _ ۹ ژانویه ۲۰۲۶

تأمین حقوق ملی خلق کورد در چهارچوب ایرانی دموکراتیک و فدرال

دبیرکل حزب دموکرات کوردستان ایران:

نیروی دشمن سرانجام از خاک کوردستان رانده خواهد شد

مصطفی هجری:

«کوردستان» سنگر صیانت از
زبان و هویت ملی است



۲۰ دی‌ماه امسال، مصادف است با هشتادمین سالگرد انتشار اولین شماره روزنامه «کوردستان»، ارگان حزب دموکرات کوردستان ایران. در طول این هشت دهه، روزنامه «کوردستان» زبان گویای سیاست‌های حزب و مدافع جنبش ملی-دموکراتیک مردم کورد در کوردستان ایران بوده و همراه با مبارزان حزب دموکرات، مراحل گوناگونی را پشت سر گذاشته است. این روزنامه همواره تریبونی برای طرح مسائل ملی و پاسداری از حقوق مردم کورد بوده است. روزنامه «کوردستان» بر اساس اصول و ارزش‌های حزب دموکرات، از آغاز دوران حکومت جمهوری کوردستان تاکنون و در دوره جدید، با انتشار ۹۱۰ شماره، به‌عنوان ارگان رسمی و زبان گویای حزب، مرکزی برای بیان حقیقت، شیوایی زبان، سعه صدر و پذیرش نقد و پیشنهادات دلسوزان حزب و جنبش حق‌طلبانه مردم کورد بوده است. در این هشتاد سال، «کوردستان» سنگری استوار برای حفاظت از زبان و هویت ملی مردم کورد بوده و توانسته است در برابر همه‌ها و حملات خصمانه دشمنانی که همواره در پی نابودی زبان، تاریخ و فرهنگ مردم کورد بوده‌اند، مقاومت کند. صفحات این روزنامه در طول مبارزات گوناگون، محلی برای ثبت وقایع و تجربه‌های تاریخی بوده و منبعی معتبر برای پژوهش و بازخوانی تاریخ مبارزات ملی مردم کورد فراهم آورده است. به مناسبت هشتادمین سالگرد انتشار «کوردستان»، درود و فسادارانه‌ی خود را نثار بنیان‌گذاران این روزنامه و همه کسانی می‌کنم که با تلاش و مبارزه مستمر، در شرایط دشوار داخلی و خارجی، به چاپ و انتشار این روزنامه ادامه داده‌اند. همچنین به مدیران، نویسندگان و همکاران کنونی «کوردستان» تبریک می‌گویم که با وجود همه کم و کاستی‌ها و موانع، این وظیفه مقدس را بر دوش گرفته‌اند. این امر نشان‌دهنده اهمیت است که حزب دموکرات کوردستان ایران به رسانه و اطلاع‌رسانی متعهد به اصول ملی و دموکراسی‌خواهی می‌دهد. به امید آنکه روزنامه «کوردستان» بار دیگر در میهنی آزاد شده، به وظایف ملی و روشنگرانه خود ادامه دهد و نسل‌های آینده را با حافظه جمعی و هویت ملی مردم کورد پیوند دهد.

مصطفی هجری

۱۹ دیماه ۱۴۰۴ شمسی



مصطفی هجری

آنچه ما را به هم پیوند می‌دهد، منافع جمعی و سرنوشت مشترکمان است

برای درگیری میان کوردستانیان ایجاد کنند و مردم را به دشمن یکدیگر تبدیل نمایند. از این رو، بار دیگر از همه آن افراد می‌خواهیم که دست از خدمت به دشمنان کوردستان بردارند و به آغوش میهن بازگردند. مطمئن باشید، هر گامی که در راستای منافع کوردستان بردارند، با سعه‌صدر و استقبال گرم روبرو خواهد شد. تجربه سایر بخش‌های کوردستان نشان داده است که نیروی دشمن سرانجام از خاک کوردستان رانده خواهد شد و آنچه باقی می‌ماند، کوردستان و مردم کوردستان هستند. ما در کوردستان جز جمهوری اسلامی و نیروهایش، دشمنی نمی‌شناسیم. از این رو، تمامی تلاش ما برای انسجام جامعه شرق کوردستان است و وظیفه‌ای ملی و اخلاقی می‌دانیم که از خدمتگزاران کورد رژیم بخواهیم به آغوش کوردستان بازگردند و بخشی از جنبش رهایی و آزادی شوند.

پیروزی برای ملت و آزادی برای میهن است.

مصطفی هجری

دبیرکل حزب دموکرات کوردستان ایران

۱۶ دیماه ۱۴۰۴

حقوق همه ملل طبق قانون به رسمیت شناخته شود. دستیابی به این هدف، تنها در صورتی میسر است که کوردستانیان با انسجام و سازمان‌دهی کامل عمل کنند. بر این اساس، این پیام در شرایطی ویژه تقدیم شما می‌شود؛ پیامی که هدف اصلی آن تقویت آرازش، انسجام و همبستگی جامعه شرق کوردستان است. همگان می‌کوشند تا اتحاد جامعه کوردستان تضمین گردد. هرچند تفاوت‌ها در کوردستان امری طبیعی و پذیرفته شده است، اما آنچه ما را به هم پیوند می‌دهد، منافع جمعی و سرنوشت مشترکمان است. بنابراین ضروری است که همه تغییرات را از دریچه منافع کوردستان مشاهده کنیم و درک متقابل و پذیرش یکدیگر را در اولویت قرار دهیم. فضای سیاسی، فرهنگی و اجتماعی کوردستان نباید عرصه‌ای برای دشمنی و تفرقه شود؛ بلکه باید محلی باشد برای همکاری، همدلی و انسجام، و نباید اجازه دهیم فرصت‌طلبان و دشمنان کوردستان، میان ما شکاف ایجاد کنند. در گذشته، دشمنان جنبش ملی کوردستان با جذب برخی افراد تحت عنوان «جاش» (مزدور)، تلاش کردند فضایی

کاک مصطفی هجری دبیرکل حزب دموکرات کوردستان ایران در پیامی خطاب به کوردستانیان مقاوم، بر انسجام، همبستگی و سازمان‌دهی جامعه کوردستان تأکید کرد و یادآور شد که پرهیز از تقابل‌های درونی و مشارکت همه در مسیر آزادی، شرط پیروزی نهایی است. متن پیام بدین شرح است:

هم‌میهنان گرامی!
کوردستانیان مقاوم!

وضعیت کنونی ایران هر روز بیش از پیش نشان می‌دهد که تغییر نه تنها ممکن است، بلکه اینک به آزادی و رهایی نزدیکیم. در این شرایط، جامعه کوردستان در ایستگاهی حساس و سرنوشت‌ساز قرار دارد؛ حساس، زیرا ما صاحب جنبشی هستیم که با شعار «زن، زندگی، آزادی» پیوندی ناگسستنی یافته و خواستار شکل‌گیری ایرانی نو هستیم؛ ایرانی که از انحصارگرایی یک ملت-دولت رها شده باشد و به سرزمینی با حاکمیت مشترک همه ملل تبدیل شود، جایی که چند هویتی و

پیام حزب دموکرات

کوردستان ایران در حمایت

از اعتصاب و اعتراضات

بازاریان تهران و دیگر

شهرهای ایران



حزب دموکرات کوردستان ایران با صدور پیامی، حمایت خود را از موج نوین اعتراضات و تظاهرات بازاریان و توده‌های به‌جان‌آمده‌ی مردم ایران اعلام کرد. متن کامل این پیام بدین شرح است:

روز یکشنبه ۷ دی‌ماه، کسبه بازار بزرگ تهران در اعتراض به گرانی افسارگسیخته، فروپاشی معیشتی و سقوط بی‌سابقه ارزش ریال در برابر ارزهای خارجی، اقدام به تعطیلی بازار کرده و دست به تظاهرات زدند. این حرکت اعتراضی به‌سرعت دامنه‌ای گسترده یافت و بخش‌های وسیعی از بازارهای تهران و شماری از شهرهای دیگر ایران را دربر گرفت و همچنان ادامه دارد.

تورم لجام‌گسیخته، گرانی کمرشکن و وخامت فزاینده شرایط زندگی، جامعه ایران را به نقطه‌ای رسانده است که تاب و توان مردم به‌طور کامل فرسوده شده است. این نخستین بار نیست که شهروندان برای بیان اعتراضات خود به شیوه‌ای مدنی و مسالمت‌آمیز به خیابان‌ها می‌آیند؛ اما حکومت جمهوری اسلامی، به‌جای پذیرش مسئولیت و پاسخ‌گویی به مطالبات بحق مردم، همواره راه سرکوب، خشونت و برخوردهای غیرانسانی را در پیش گرفته است.

بی‌کفایتی و بی‌مسئولیتی نهادینه‌شده در ساختار حاکمیت، غارت سیستماتیک ثروت‌ها و سرمایه‌های کشور، مصرف منابع در جهت اهداف ضدانسانی و ماجراجویانه حاکمان، گسترش فساد سازمان‌یافته، دزدی و اختلاس در میان مافیاهای قدرت و صاحب‌منصبان جمهوری اسلامی، از جمله عواملی هستند که زندگی و معیشت مردم ایران را به وضعیت فاجعه‌باری کشانده‌اند؛ به‌گونه‌ای که امروز بخش بزرگی از جامعه حتی از تأمین ابتدایی‌ترین نیازهای زندگی خود و خانواده‌هایشان نیز ناتوان مانده‌اند.

حزب دموکرات کوردستان ایران بر این باور است که بحران‌های انباشته کنونی جامعه ایران صرفاً ریشه در مشکلات اقتصادی ندارد، بلکه پیش و بیش از هر چیز بازتاب یک بحران عمیق، ساختاری و مزمن سیاسی است که سال‌هاست بر سرنوشت مردم ایران سایه افکنده است. تا زمانی که این رژیم بر اریکه قدرت باقی بماند، شرایط زندگی مردم نه‌تنها بهبود نخواهد یافت، بلکه به‌صورت مستمر رو به وخامت خواهد رفت؛ چرا که جمهوری اسلامی نه اراده‌ای برای حل این بحران‌ها دارد و نه توانایی انجام آن را.

حزب دموکرات کوردستان ایران ضمن اعلام حمایت قاطع از این موج تازه اعتصابات و اعتراضات بازاریان و مردم به‌ستوه‌آمده ایران، بر ضرورت همبستگی، اتحاد و هم‌افزایی تمامی اقشار و طبقات جامعه تأکید می‌کند و خواستار آن است که تلاش‌ها به‌طور یکپارچه و هدفمند در مسیر رهایی از سلطه این رژیم سرکوبگر و جنایتکار متمرکز شود.

حزب دموکرات کوردستان ایران

هیئت اجرایی

۱۰ دی ۱۴۰۴



دبیرکل حزب دموکرات کوردستان ایران، در واکنش به سرکوب‌های رژیم جمهوری اسلامی در ایلام و کرمانشان، پیامی منتشر کرد و با خانواده‌های شهدای این قیام ابراز همدردی و تسلیت نمود.

اطلاعیه خبری نشست مرکز دیالوگ

برای همکاری احزاب کوردستان ایران



کاک باباشیخ حسینی، دبیرکل سازمان خبات کوردستان ایران
کاک حسین یزدان‌پناه، رهبر حزب آزادی کوردستان
کاک امیر کریمی، رئیس مشترک حزب حیات آزاد کوردستان (پژاک)
کاک مصطفی هجری، دبیرکل حزب دموکرات کوردستان ایران

مرکز دیالوگ برای همکاری احزاب

کوردستان ایران

۱۵ دی ۱۴۰۴ (۵ ژانویه ۲۰۲۶)

در کرمانشان، ایلام، ملکشاهی و لرستان، با دستور مستقیم خامنه‌ای که بار دیگر حقه‌طلبی مردم کوردستان را «اغتشاش» نامید، محکوم گردید. ضمن ابراز همدردی با خانواده‌ها و بستگان شهدای اخیر در سراسر ایران، به‌ویژه در ملکشاهی و دیگر مناطق جنوبی کوردستان، بر ضرورت اتحاد و همبستگی تمام مناطق کوردستان ایران و اتخاذ اقدامات جدی و عملی برای مقابله با سیاست‌های دشمنی و سرکوب سیستماتیک جنبش کورد توسط رژیم تأکید شد.

در ادامه نشست، تصمیم گرفته شد تلاش‌ها و گفتگوها بر تدوین طرح مبنای همکاری جریان‌های سیاسی و تعیین نقشه راه برای تقویت جنبش سیاسی و ملی کورد در ایران متمرکز شود. ریاست هیئت‌های احزاب در این نشست بر عهده آقایان زیر بود:

کاک سید ابراهیم علیزاده، دبیر اول کومله سازمان کوردستان حزب کمونیست ایران
کاک عمر ایلخانی‌زاده، معاون دبیرکل کومله انقلابی زحمتکشان کوردستان ایران
کاک رضا کعبی، دبیرکل کومله زحمتکشان کوردستان

نشست عالی احزاب سیاسی کوردستان ایران روز دوشنبه، ۱۵ دی ۱۴۰۴ (۵ ژانویه ۲۰۲۶)، برگزار شد. در این نشست، آخرین تحولات سیاسی ایران و وضعیت کوردستان بررسی شد، حمایت کامل از مبارزه و خیزش سراسری ملت‌های ایران اعلام گردید و ضرورت همکاری مشترک و مؤثر برای تقویت و نیروبخشیدن به جنبش‌های اعتراضی علیه جمهوری اسلامی مورد تأکید و تصمیم‌گیری قرار گرفت.

جلسه با ادای احترام به جان‌باختگان و شهدای اعتراضات اخیر در ایران و مناطق جنوبی کوردستان آغاز شد. سپس آقای مصطفی هجری، دبیرکل حزب دموکرات کوردستان ایران و مسئول دوره‌ای مرکز دیالوگ برای همکاری احزاب سیاسی کوردستان ایران، در سخنرانی افتتاحیه، اهداف نشست را تشریح کرد و بر مسئولیت و وظایفی که بر دوش احزاب کوردستان ایران سنگینی می‌کند، تأکید نمود. نشست با ارائه دیدگاه‌ها، پیشنهادات و نظرات شرکت‌کنندگان غنی‌تر و جامع‌تر شد.

در این جلسه، موج جدید اعتراضات، اعتصابات و تظاهرات علیه جمهوری اسلامی که حاصل ده‌ها سال فساد، ناکارآمدی و سیاست‌های ضد مردمی است، ارج نهاده شد. سرکوب خونین اعتراضات

مرکز دیالوگ:

کوردستان در برابر جنایات رژیم ساکت نخواهد ماند

و به سنگری تسخیرناپذیر برای آزادی‌خواهی و مبارزه علیه رژیم جمهوری اسلامی تبدیل شده است. جنبش ژینا («زن، زندگی، آزادی») نیز رژیم را با بزرگ‌ترین بحران مشروعیت داخلی و بین‌المللی مواجه کرد. ظهور اعتراضات در مناطق جنوبی کوردستان نشان می‌دهد که اخگر این خیزش همچنان شعله‌ور است؛ با این حال، تظاهرات به‌شدت سرکوب شد و در ملکشاهی بار دیگر جنایتی عظیم رخ داد.

ما سرکوب تظاهرات و بازداشت مردم معترض و حقه‌طلب در ایران و کوردستان، که سیاست همیشگی رژیم جمهوری اسلامی است، را قویاً محکوم می‌کنیم. به‌منظور حمایت از اعتراضات سراسری و همبستگی با هموطنانمان در کرمانشان، ایلام و لرستان، از مردم کوردستان دعوت می‌کنیم که در روز پنج‌شنبه، ۱۸ دی ۱۴۰۴، اعتصاب عمومی برگزار کنند. با این اعتصاب عمومی، کوردستان بار دیگر «نه»ی بزرگ دیگری به رژیم جمهوری اسلامی می‌گوید و بر حقوق خود—که شامل آزادی، برابری و احترام به کرامت انسانی است—پافشاری می‌کند. از تمام احزاب سیاسی و سازمان‌های مدنی ایران و کوردستان نیز می‌خواهیم که با همصدایی و اتحاد، در برابر جنایات رژیم جمهوری اسلامی موضع بگیرند و به این فراخوان بپیوندند.

زن‌ده باد همبستگی و اتحاد مردم حقه‌طلب کوردستان!

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی ایران!

امضا کنندگان:

- پارت آزادی کوردستان (پاک)
- حزب حیات آزاد کوردستان (پژاک)
- سازمان خبات کوردستان ایران
- کومله، سازمان کوردستان حزب کمونیست ایران
- کومله زحمتکشان کوردستان
- حزب کومله کوردستان ایران
- حزب دموکرات کوردستان ایران



(فراخوان اعتصاب عمومی در کوردستان برای حمایت از اعتراضات سراسری ایران و محکومیت جنایات رژیم در کرمانشان، ایلام و لرستان)

مردم مقاوم کوردستان!

احزاب و جریان‌های سیاسی ایران و کوردستان!

سازمان‌های جامعه مدنی!

موج جدید اعتراضات سراسری در ایران وارد دهمین روز خود شده است. این اعتراضات، «نه»ی آشکار، بلند و همگانی به رژیم جمهوری اسلامی است، به‌خاطر تمامی مصیبت‌هایی که رژیم جمهوری اسلامی در طول دوره حاکمیت خود بر ملت‌های ایران تحمیل کرده است. هدف این خیزش در ایران و کوردستان، بازپس‌گیری حقوق و آزادی، بازگرداندن کرامت انسانی و پایان دادن به سیاست انکار، محروم‌سازی، کشتار، ترور و تبعیض‌های ملی و فرهنگی است. کوردستان در ۴۷ سال گذشته همواره پیشگام و خطشکن این «نه» گفتن بوده

پیام تداوم همبستگی، مقاومت و قدردانی «مرکز گفتگو برای همکاری» درباره موفقیت اعتصاب ۱۸ دی

مردم مقاوم کوردستان!

مردم آزادی‌خواه سراسر ایران!

احزاب و جریان‌های سیاسی ایران و کوردستان!

سازمان‌های جامعه مدنی!

امروز، پنجشنبه ۱۸ دی‌ماه ۱۴۰۴، کوردستان بار دیگر ثابت کرد که سنگر تسخیرناپذیر مبارزه و مقاومت علیه جمهوری اسلامی ایران است.

مردم آزادی‌خواه کوردستان با اعتصاب عمومی، تعطیلی بازارها، مغازه‌ها و اماکن عمومی، و ابراز نارضایتی در تمامی شهرها و مناطق کوردستان، اعتماد مجدد خود را به احزاب سیاسی‌شان نشان دادند و اثبات کردند که انقلاب «ژینا – ژن، ژیان، ئازادی» نه تنها متوقف نشده، بلکه در عمق جامعه ریشه دوانده است و عزم جزم کرده

است تا بساط حکومت دیکتاتوری جمهوری اسلامی را برای همیشه برچیند.

مردم کوردستان نشان دادند که در برابر جنایات رژیم در لرستان، ملکشاهی و دیگر مناطق سکوت نخواهند کرد و اجازه نخواهند داد یاد و راه جوانان و آزادی‌خواهان، که با خون خود آن را پاس داشتند، فراموش شود. حمایت مردم کوردستان از اعتراضات سراسری ایران و محکوم کردن سیاست تبعیض، گواه زنده‌بودن و پیشرفت جنبش سیاسی و ملی کورد در ایران و مرحله سرنوشت‌ساز خیزش علیه دیکتاتوری رژیم است.

«مرکز گفتگو برای همکاری احزاب کوردستان ایران» از مردم مبارز کوردستان و آزادی‌خواهان سراسر ایران سپاسگزاری می‌کند که با اعتصاب و تداوم اعتراضاتشان، پیامی سیاسی، روشن و

کوبنده به نیروهای سرکوبگر و کلیت رژیم حاکم دادند. مردم شجاع و آزادی‌خواه کوردستان نشان دادند که تهدید و ارباب و سیاست سرکوب، گام‌های آنان را سست نخواهد کرد و با این یکپارچگی و اتحاد احزاب و مردم کوردستان، پیام روشنی ارسال شد: جنبش آزادی‌خواهانه ما وارد مرحله جدیدی شده است.

این مرحله جدید، ضرورت دارد تا در راستای تداوم و پیروزی نهایی آن، بیش از پیش و به‌صورتی متفاوت، بستر مناسب برای اتحاد، هم‌رزمی و اقدام مشترک فراهم گردد و نیروی بیشتری به مبارزه و جنبش ما افزوده شود.

جنبش سیاسی و حق‌طلبانه کوردستان که همواره بر تکررگرایی و همزیستی تأکید داشته و مخالف انحصارطلبی و خودتحمیلی است، بار دیگر حمایت خود را از اعتراضات

پس، هیچ جایگاهی برای حقوق ملی ملت کورد در نظم جدید منطقه‌ای باقی نماند.

ملت کورد در چهارچوب دولت

– ملت‌هایی قرار گرفت که اغلب سیاست‌های همگون‌سازی، انکار هویت و سرکوب سیاسی را در پیش گرفتند. این وضعیت تاریخی، بستر شکل‌گیری جنبش‌های دولت‌خواهانه و خودگردان در دهه‌های بعد را فراهم ساخت که جمهوری کوردستان یکی از برجسته‌ترین نمونه‌های آن بود.

علت‌های کلیدی تداوم وضعیت بی‌دولتی کوردها را می‌توان در چند عامل اصلی خلاصه کرد:

تغییر توازن قوا به زیان کوردها پس از شکست پیمان سور و تثبیت نظم لوزان؛ اولویت منافع استعماری، نفتی و امنیتی قدرت‌های بزرگ بر اصل حق تعیین سرنوشت ملت‌ها؛

پراکنده‌بودن جغرافیای کوردستان در چند دولت متفاوت و فقدان اراده بین‌المللی برای جمعیت آن در یک چارچوب سیاسی واحد.

شرایط بین‌المللی و داخلی ایران در دهه ۱۹۴۰

ایران در خلال جنگ جهانی دوم به اشغال نیروهای متفقین درآمد و حضور ارتش شوروی در شمال کشور، اقتدار دولت مرکزی را به‌شدت تضعیف کرد. این وضعیت، فضای نسبتاً بازی برای فعالیت‌های سیاسی و طرح مطالبات ملی فراهم آورد. در یافتند خواسته‌های تاریخی خود را آشکارتر بیان کنند.

در آذربایجان، حکومت ملی آذربایجان به رهبری سید جعفر پیشه‌وری و تشکیلات فرقه دموکرات آذربایجان شکل گرفت و در کوردستان روژه‌لات، حزب دموکرات کوردستان به رهبری قاضی محمد تأسیس شد. جمهوری کوردستان حاصل تلافی سه عامل اساسی بود: ضعف ساختاری دولت مرکزی، شرایط ژئوپلیتیک خاص پس از جنگ جهانی دوم، و انباشت مطالبات تاریخی ملت کورد در حوزه حق تعیین سرنوشت، خودگردانی سیاسی، زبانی و فرهنگی.

اعلام موجودیت جمهوری کوردستان

در ۲۲ ژانویه ۱۹۴۶، در میدان چهارچراغ مه‌آباد، جمهوری کوردستان رسماً اعلام موجودیت کرد. قاضی محمد به‌عنوان رئیس دولت و شورای ملی کوردستان به‌عنوان نهاد تصمیم‌گیر معرفی شدند. این اقدام، بیش از آن‌که حرکتی نظامی باشد، کنشی سیاسی

و آگاهانه برای تثبیت حق حاکمیت ملی ملت کورد بود.

رسمیت‌یافتن زبان کوردی در آموزش و اداره، انتشار نشریات کوردی، و برگزاری آیین‌های عمومی و نمادین، همگی بیانگر تلاش جمهوری برای بازتعریف رابطه دولت و ملت بر پایه هویت ملی کوردی بودند.

ساختار حقوقی و سیاسی جمهوری کوردستان – مه‌آباد

جمهوری کوردستان – مه‌آباد فرصت تدوین یک قانون اساسی جامع و مدون نیافت، اما اسناد و شواهد موجود از وجود یک چهارچوب حقوقی موقت حکایت دارند که می‌توان آن را نوعی نظم شبه‌قانونی دانست. این چارچوب بر اصولی چون اداره محلی، رسمیت زبان کوردی، سازمان‌دهی آموزش عمومی و ایجاد نیروی دفاعی استوار بود. در حوزه نظامی، نقش مصطفی بارزانی و نیروهای پیشمرگه اهمیت تعیین‌کننده‌ای داشت. حضور بارزانی پیوندی راهبردی میان مبارزات کوردهای ایران و عراق ایجاد کرد و جمهوری کوردستان را به بخشی از یک جنبش فراملی کوردی بدل ساخت. در همین دوره، فشارهای دیپلماتیک ایالات متحده و تحولات مرتبط با سازمان ملل، اتحاد شوروی را به خروج از ایران سوق داد. با خروج شوروی، پشتوانه بین‌المللی و امنیتی دولت‌های محلی از میان رفت و جمهوری کوردستان در موقعیتی بسیار بد قرار گرفت.

روابط حکومت ملی کوردستان با حکومت ملی آذربایجان

جمهوری کوردستان – مه‌آباد و حکومت ملی آذربایجان در یک بستر ژئوپلیتیک مشترک و در شرایطی مشابه شکل گرفتند. هر دو از حضور شوروی در شمال ایران تأثیر پذیرفتند و در مقاطعی همکاری‌هایی سیاسی و امنیتی میان آن‌ها وجود داشت. با این حال، تفاوت‌های ساختاری نیز مشهود بود. حکومت آذربایجان بیشتر بر اصلاحات اقتصادی، ارضی و سازمان حزبی متمرکز بود، در حالی‌که جمهوری کوردستان ترکیبی از رهبری سنتی، ناسیونالیسم کوردی و تلاش برای نهادهایی مدرن را نمایندگی می‌کرد.

سقوط جمهوری و اعدام قاضی محمد

با تشدید فشارهای بین‌المللی و خروج نیروهای شوروی در اواخر سال ۱۹۴۶، موازنه قوا به نفع دولت مرکزی تغییر یافت. ارتش ایران ابتدا وارد تبریز و سپس مه‌آباد شد و جمهوری کوردها بدون مقاومت

سراسری علیه دیکتاتوری جمهوری اسلامی ایران اعلام می‌کند و بر جدیت و تداوم مبارزه و تلاش مردم کوردستان برای تحقق حقوق و مطالبات مشروع خود در ایران پافشاری می‌نماید. زنده باد همبستگی و اتحاد مردم حق‌طلب کوردستان!

سرنگون باد جمهوری اسلامی ایران!

حزب آزادی کوردستان (پاک)

حزب حیات آزاد کوردستان (پژاک)

سازمان خبات کوردستان ایران

کومله، سازمان کوردستان

حزب کمونیست ایران

کومله زحمتکشان کوردستان

حزب کومله کوردستان ایران

حزب دموکرات کوردستان ایران

عصر ۱۸ دی ۱۴۰۴

هشتادمین سالگرد اعلام موجودیت دولت ملی کوردستان

(جمهوری کوردستان) بررسی تاریخی – پژوهشی زمینه‌ها، ساختار، سقوط و پیامدها



–مه‌آباد نشان می‌دهد که دوره‌های گذار سیاسی، لحظاتی نادر و سرنوشت‌ساز برای بازتعریف ساختار قدرت و روابط ملت‌ها با دولت مرکزی هستند.

در صورت فروپاشی رژیم حاکم که حتمی است فرصتی تاریخی برای ملت کورد، در کنار ملت‌های بلوچ، ترک، عرب، لر، ترکمن و دیگر ملل تحت ستم فراهم خواهد شد تا بر پایه حق تعیین سرنوشت، به حاکمیت ملی و ساختارهای دموکراتیک و چندملیتی دست یابند. احزاب و جنبش‌های کنونی، اگر از درس‌های جمهوری کوردستان –مه‌آباد بیاموزند، نباید این فرصت را با پراکندگی، رقابت‌های فرسایشی یا اتکای صرف به نیروهای خارجی از دست بدهند. همگرایی میان ملت‌های تحت ستم و ارائه بدیلی روشن برای آینده ایران، شرط اساسی تحقق آزادی و عدالت پایدار است.

سخن پایانی

جمهوری کوردستان، با وجود عمر کوتاه خود، نقطه عطفی ماندگار در تاریخ سیاسی ملت کورد است. این تجربه نشان داد که مسئله کورد، صرفاً فرهنگی یا محلی نیست، بلکه مسئله‌ای سیاسی – حقوقی در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی است.

در هشتادمین سالگرد اعلام موجودیت این جمهوری، بازخوانی انتقادی آن نه از سر نوستالژی، بلکه برای استخراج درس‌های تاریخی و آماده‌سازی جنبش‌های معاصر برای لحظه‌های سرنوشت‌ساز آینده، ضرورتی انکارناپذیر به‌شمار می‌رود.

* دبیر کل حزب بلوچستان راجی تپاکی



مهمیم بلوچ سرخوش

پیشگفتار

در ۱۵ ژانویه ۱۹۴۶، دولت ملی کوردستان که در تاریخ سیاسی خاورمیانه با نام «جمهوری کوردستان» شناخته می‌شود، به رهبری پیشوا قاضی محمد در شهر مه‌آباد اعلام موجودیت کرد. این دولت، نخستین تجربه دولت‌سازی مدرن ملت کورد در چارچوب جغرافیای سیاسی ایران بود. هرچند عمر آن کمتر از یک سال به طول انجامید، اما اهمیت آن نه در مدت حیات، بلکه در بار تاریخی، سیاسی و نمادین آن نهفته است.

این مقاله به مناسبت هشتادمین سالگرد تأسیس جمهوری کوردستان با مرکزیت مه‌آباد (۱۹۴۶–۲۰۲۶)، با رویکردی تاریخی – تحقیقی و بر پایه منابع دانشگاهی، به بررسی زمینه‌های بین‌المللی و داخلی شکل‌گیری آن، ساختار حقوقی و سیاسی، روابط منطقه‌ای، علل سقوط و پیامدهای آن برای جنبش آزادی‌خواهی ملت کورد می‌پردازد و در پایان، پیوندی تحلیلی میان این تجربه تاریخی و شرایط کنونی ایران برقرار می‌کند.

تقسیم کوردستان و مسئله دولت‌نشدگی ملت کورد

فروپاشی امپراتوری عثمانی پس از جنگ جهانی اول، نقطه عطفی تعیین‌کننده در تاریخ خاورمیانه و سرنوشت ملت کورد بود. قدرت‌های استعماری پیروز، به‌ویژه بریتانیا و فرانسه، با تکیه بر منافع ژئوپلیتیک، اقتصادی و امنیتی خود، نقشه سیاسی جدیدی برای منطقه ترسیم کردند؛ نقشه‌ای که نه بر پایه واقعیت‌های هویتی و تاریخی، بلکه بر اساس خطوط نفوذ و موازنه قدرت شکل گرفت.

در نتیجه این فرآیند، سرزمین کوردستان میان چهار دولت ترکیه، ایران، عراق و سوریه تقسیم شد. هرچند در پیمان سور برای نخستین‌بار امکان خودمختاری و حتی استقلال کوردها در یک سند بین‌المللی مطرح شد، اما این وعده با تغییر توازن قوا، قدرت‌گیری ناسیونالیسم ترکی و جایگزینی آن با پیمان لوزان عملاً لغو گردید. از آن

توهم اقتدار جمهوری اسلامی فرو ریخته است

قدرت‌های پراکنده، بوروکراسی ناکارآمد و ضعف در تصمیم‌گیری، رژیم را در بحران داخلی و منطقه‌ای گرفتار کرده است

بخش اول گفتگو با عزیز شیخانی

مصاحبه: حسن شیخانی

مقدمه: جمهوری اسلامی رژیمی است با ساختاری پیچیده و نامنسجم که آمیزه‌ای از ویژگی‌های ملوک‌الطوایفی و بوروکراسی ناکارآمد را در خود جمع کرده است. چنین ساختاری به اصطکاک‌های درون‌قدرتی، ائتلاف منابع و ناتوانی در تصمیم‌گیری‌های به‌موقع انجامیده و کشور را در وضعیتی معلق و فرسوده قرار داده است. در این وضعیت، دولت با خستگی، بی‌انگیزگی و بدون سرزندگی امور را پیش می‌برد. ایران با حوادث پی‌درپی و مشکلات انباشته روبه‌روست و حاکمیت نیز درک کافی از تحولات نوین در حوزه‌های نظامی و امنیتی ندارد؛ موضوعی که حفره‌های امنیتی گسترده آن را، به‌ویژه در جریان جنگ ۱۲ روزه، آشکار کرد. به‌طور خلاصه، جمهوری اسلامی رژیمی است که توان رویارویی مؤثر با بحران‌ها را از دست داده و آن‌ها را نه حل، بلکه دائمی‌انباشته و مزمن می‌کند؛ روندی که سطح نارضایتی عمومی را بیش از پیش افزایش داده است. اکنون چنین به نظر می‌رسد که رژیم ایران به بن‌بست رسیده و بازگشت از این مسیر، اگر ناممکن نباشد، بسیار دشوار خواهد بود. در این خصوص گفت‌وگویی انجام داده‌ایم با عزیز شیخانی، کارشناس روابط بین‌الملل و سیاست جهانی و استاد در مرکز آموزشی تایتوتالو (خانه‌هنر).



نه‌تنها منابع ملی را هدر می‌دهند، بلکه فساد ترکیبی را در همه سطوح گسترش می‌دهند. در چنین شرایطی، توسعه موزون و پایدار غیرممکن است. آینده اقتصادی و اجتماعی کشور در سایه رقابت‌های ناسالم، نبود نظارت و فقدان شفافیت به حاشیه رانده شده است. بوروکراسی مدرن در این ساختار کاربردی ندارد، زیرا فرآیند تصمیم‌گیری طولانی، غیرشفاف و تحت تأثیر منافع گروه‌های قدرت است. این وضعیت ایران را در آستانه بحران‌های فراگیر و طولانی‌مدت قرار داده که حل آن بدون اصلاحات بنیادین در ساختار قدرت، نظام اداری و حتی سیستم سیاسی ممکن نیست. در ساختار شبه ملوک‌الطوایفی طولانی‌مدت در جغرافیای سیاسی ایران، دولت مدرن و فرهنگ سیاسی جامعه امکان رشد مطلوب نخواهند داشت. زیرا در چنین سیستمی، روابط و مناسبات شخصی و وجود باندهای قدرت، قانون مکتوب را به سخره می‌گیرند و بی‌اعتبار می‌سازند. این وضعیت، فرهنگ اعتماد به قانون، تقسیم قدرت و اجرای اصول دموکراسی را در ذهن مردم در نطفه خفه می‌کند و مانع شکل‌گیری یک نظام سیاسی پایدار و مبتنی بر عدالت می‌شود. در جمهوری اسلامی ایران، مردم به دلیل وجود این سیستم ملوک‌الطوایفی و شبکه و باندهای وسیع قدرت، نتوانسته‌اند تجربه یک دولت مدرن و کارآمد را داشته باشند. این ساختار، قانون‌گرایی را تضعیف کرده و به جای حاکمیت قانون امروزی و احترام به حقوق بشر و موازین مدیریتی و اداری، روابط شخصی و منافع گروهی را بر تصمیم‌گیری‌ها مسلط کرده است. در نتیجه، اعتماد عمومی به نهادهای قانونی شکل نگرفته و اصول دموکراسی در ذهن جامعه نهادینه نشده است. پیامد این وضعیت، استمرار بی‌ثباتی سیاسی، فساد گسترده و فقدان توسعه پایدار در عرصه‌های اجتماعی و اقتصادی بوده است. ملتها و جوامع مختلف در کشور در اثر اصطکاک دائمی میان باندهای قدرت و سیاست‌های ناموزون و ضدمردمی نظام سیاسی دچار بحران‌های ترکیبی شده و در شبکه عنکبوتی آخوندها گرفتار شده‌اند.

شد. آزادی‌های اساسی، حقوق شهروندان و ملت‌های تشکیل‌دهنده این سرزمین، که می‌توانست پایه‌ای برای مشروعیت و پایداری این دولت باشد، عملاً محدود و منسوخ گردید. در نتیجه، تلاش برای ایجاد یک دولت مدرن و کارآمد، به دلیل فقدان دموکراسی، ضعف نهادهای مردمی، و وابستگی شدید به قدرت‌های خارجی، با شکست مواجه شد. با وجود تغییرات ظاهری پس از انقلاب ۱۳۵۷، ساختار قدرت در جمهوری اسلامی ایران همچنان از همان الگوی پراکندگی و عدم تمرکز رنج می‌برد. گروه‌ها و نهادهای قدرتمند درون نظام شکل گرفته‌اند که گاه حتی دولت رسمی را مختل می‌کنند. یکی از مشخصه‌های اصلی این رژیم، وجود مراکز قدرت موازی و بنیادهای وابسته به بیت رهبری است که در کنار نهادهای حکومتی، وضعیت سیاسی و اقتصادی کشور را پیچیده و بحرانی کرده‌اند. این پراکندگی قدرت نه‌تنها اعتماد عمومی را کاهش داده، بلکه زمینه‌ساز فساد گسترده در سراسر کشور شده است. فساد اداری، مالی و سیاسی به‌صورت سیستماتیک در ساختار حکمرانی نفوذ کرده و ماشین اقتصاد را از حرکت بازداشته است. نتیجه این وضعیت، بحران‌های حل‌نشده، رکود اقتصادی و کاهش رفاه عمومی بوده است. در مقابل، دولت‌های مدرن بر پایه تقسیم قدرت بر اساس قوانین دموکراتیک و اداره کارآمد شکل می‌گیرند. چنین دولت‌هایی توسعه اقتصادی، رفاه عمومی و رشد اجتماعی را در اولویت قرار می‌دهند. اما در ایران، ترکیب قدرت بر اساس نهادهای غیردموکراتیک و بنیادهای وابسته به قدرت، ساختار بوروکراسی را مختل کرده و اقتصاد، امنیت، رفاه مردم و آزادی‌های آن‌ها را قربانی زدوبندهای سیاسی کرده است. در سایه نبود قوانین کنترل‌کننده قدرت، نظام اداری از خدمت‌گذاری به ناکارآمدی و پیچیدگی تبدیل شده است. نهادهای موازی در کنار یکدیگر رقابت ناسالمی را برای کسب بودجه، منفعت، فرصت و نفوذ بیشتر آغاز کرده‌اند که پایانی ندارد. این رقابت‌ها

استمرار یا فروپاشی آن شده‌اند. در جوامعی که دولت بر پایه قانون، مردم‌سالاری و اصول دموکراتیک نهادینه نشده است، توزیع قدرت اغلب نامتوازن بوده و مدیریت جامعه به سمت نابسامانی و هرج‌ومرج سوق یافته است. یکی از ویژگی‌های بارز تاریخ ایران، پدیده ملوک‌الطوایفی، یعنی پراکندگی قدرت میان حاکمان محلی و ضعف دولت مرکزی است. در دوره‌های مختلف، به‌ویژه در زمان شاهان، دولت مرکزی نه‌تنها اقتدار کافی برای اعمال حاکمیت نداشت، بلکه دستگاه اداری نیز ناکارآمد و گمراه‌کننده بود. این وضعیت موجب شد قدرت‌های محلی در اشکال گوناگون ظاهر شوند و عملاً ساختار سیاسی کشور را به سمت چندپارگی سوق دهند. یکی از ویژگی‌های برجسته تاریخ ایران، پدیده ملوک‌الطوایفی، یعنی پراکندگی قدرت سیاسی میان حاکمان محلی و ضعف دولت مرکزی در اعمال اقتدار است. این وضعیت در بسیاری از دوره‌های تاریخی ایران، به‌ویژه پس از فروپاشی حکومت‌های مقتدر یا در زمان شاهان، به‌صورت آشکار دیده می‌شود. در چنین شرایطی، دولت مرکزی نه‌تنها توان کافی برای کنترل سرزمین‌های گسترده ایران را نداشت، بلکه دستگاه اداری نیز ناکارآمد، فاسد و گاه گمراه‌کننده بود. این ناکارآمدی موجب شد که ساختار سیاسی کشور از حالت یکپارچه خارج شده و به سمت چندپارگی و تجزیه قدرت سوق یابد.

پدیده ملوک‌الطوایفی معمولاً در دوره‌هایی رخ می‌داد که بحران‌های داخلی، جنگ‌های طولانی، یا حملات خارجی، بنیان‌های قدرت مرکزی را تضعیف می‌کرد. در این شرایط، حاکمان محلی، خان‌ها، امیران و حتی رؤسای قبایل، با تکیه بر منابع اقتصادی و نظامی منطقه خود، عملاً استقلال نسبی پیدا می‌کردند. این قدرت‌های محلی گاه با یکدیگر درگیر می‌شدند و گاه برای حفظ موقعیت خود با قدرت‌های خارجی متحد می‌شدند. نتیجه این وضعیت، کاهش امنیت، رکود اقتصادی، و تضعیف انسجام اجتماعی در سراسر کشور بود. نمونه‌های بارز این پدیده را می‌توان در دوره‌های پس از سقوط سلسله‌های بزرگ مانند ساسانیان، یا در دوران ضعف حکومت‌های ایلخانی، تیموری و حتی صفوی مشاهده کرد. در این دوره‌ها، ایران به مجموعه‌ای از واحدهای سیاسی کوچک تبدیل می‌شد که هرکدام قوانین، مالیات‌ها و حتی نیروهای نظامی مستقل داشتند. این پراکندگی قدرت، علاوه بر ایجاد بی‌ثباتی سیاسی، زمینه را برای نفوذ و دخالت قدرت‌های خارجی نیز فراهم می‌کرد. در مجموع، ملوک‌الطوایفی نه‌تنها یک پدیده سیاسی، بلکه یک عامل مهم در شکل‌گیری تاریخ اجتماعی و اقتصادی ایران بوده است. این وضعیت نشان می‌دهد که ضعف ساختار اداری و ناتوانی دولت مرکزی در مدیریت بحران‌ها، چگونه می‌تواند یک کشور پهناور را به سمت تجزیه قدرت و چندپارگی سوق دهد. البته در دوران پهلوی، با اجرای طرح‌های گوناگون و بهره‌گیری از کمک‌های خارجی، تلاش شد تا دولتی مدرن و قدرتمند بنیان نهاده شود. دولتی که بتواند از ساختارهای سنتی عبور کرده و کشور را به سوی توسعه و نوسازی سوق دهد. این برنامه‌ها شامل اصلاحات اقتصادی، ایجاد زیرساخت‌های صنعتی، و تمرکز بر نهادهای اداری جدید بود. با این حال، این پروژه‌ها در عمل با چالش‌های جدی روبه‌رو شدند. در عرصه داخلی، مدیریت امور کشور به‌صورت متمرکز، اقتدارگرایانه و مستبدانه پیش رفت و مشارکت واقعی مردم در تصمیم‌گیری‌ها نادیده گرفته

جمهوری اسلامی مبتنی بر انتخابات و رأی مردم به‌نظر می‌رسد، اما در ذات این سیستم سیاسی، انتخابات نقش راهبردی ندارد. در عمل، انتصابات و نهادهای موازی با دولت، حتی فراتر از قوای سه‌گانه، در سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری‌های اساسی حرف اول را می‌زنند. سیستم حاکم ایران از یک‌سو انتخابی به‌نظر می‌رسد، اما نهادهای به‌ظاهر منتخب فاقد قدرت واقعی هستند. از نظر تئوری، رهبر توسط مجلس خبرگان انتخاب می‌شود، اما ولی‌فقیه عملاً مادام‌العمر است. شورای نگهبان نیز با کنترل صلاحیت نامزدهای مجلس خبرگان، مهره‌های مناسب و پایبند به انقلاب را تأیید می‌کند. انتخابات مجلس، ریاست‌جمهوری و شوراهای شهر و روستا عملاً هیچ تغییر اساسی ایجاد نمی‌کنند؛ به این دلیل که همه این نهادها تحت نظارت ولی‌فقیه و مراکز قدرت وابسته به او قرار دارند. در نتیجه، نهادهای انتصابی بر نهادهای انتخابی سلطه کامل دارند و سیاست کلی کشور از طریق آن‌ها هدایت می‌شود. این وضعیت، یکی از دلایل اصلی بی‌اعتمادی عمومی به فرآیندهای انتخاباتی است. مردم به‌خوبی می‌دانند که تصمیمات کلان کشور نه در صندوق‌های رأی، بلکه در بیت رهبری و مکان‌های دیگر گرفته می‌شود. این امر، مشروعیت نظام را در سطح داخلی و بین‌المللی با چالش جدی مواجه کرده است. یکی از پایه‌های اساسی این نظام، نبود شفافیت در سلسله‌مراتب قدرت است که پیچیدگی نظام حاکم در ایران را افزایش داده است. نهادهای متعدد قدرت در خطوط موازی عمل می‌کنند و در مرکزیت غیرپاسخگو، وظایف خود را بدون نظارت عمومی پیش می‌برند. این پراکندگی و عدم شفافیت، حتی در تصمیم‌گیری‌های رسمی و غیررسمی مشهود است. مأموریت‌های متداخل این نهادها، ناسازگاری دائمی میان آن‌ها را تشدید کرده است.

نهادهای و بنیادهای وابسته به حکومت، هر یک برای اهداف خاص داخلی، منطقه‌ای یا جهانی سازماندهی شده‌اند. این مراکز رسمی و غیررسمی در حوزه‌های ایدئولوژی، اقتصاد، امنیت و نظامی در فضایی پر از تناقض به‌هم تنیده‌اند و به‌طور پنهان و آشکار به رقابت و حتی تقابل با یکدیگر می‌پردازند. این وضعیت، نه تنها کارآمدی نظام را کاهش داده، بلکه زمینه‌ساز بحران‌های داخلی و خارجی شده است. ناهمگونی ساختاری جمهوری اسلامی، پیامدهای گسترده‌ای برای ایران به بار آورده است. این ساختار پیچیده، غیرپاسخگو، نامنسجم و سرکوبگر، مانع شکل‌گیری یک نظام مردمی شده و امکان اصلاحات بنیادین را تقریباً از بین برده است. در چنین شرایطی، هرگونه تغییر سیاسی یا اجتماعی با مقاومت شدید نهادهای قدرت مواجه می‌شود. این مقاومت، نه تنها اصلاحات را ناکام گذاشته است، بلکه بحران‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، امنیتی و محیط زیستی را تشدید کرده است.

ترکیب ملوک‌الطوایفی قدرت و بوروکراسی ناکارآمد چگونه به اصطکاک درونی و ائتلاف منابع منجر شده است؟

تاریخ ایران در طول قرون متمادی نشان‌دهنده تحولات پیچیده قدرت سیاسی و ساختار اداری است. این تاریخ به‌وضوح بیان می‌کند که چگونه ترکیب قدرت و نوع سازمان اداری کشور شکل گرفته و چه عواملی موجب

آقای شیخانی ابتدا با این سوال مصاحبه را شروع می‌کنیم که جمهوری اسلامی رژیمی است با ساختاری «پیچیده و نامنسجم»، به نظراً شما مهم‌ترین نشانه‌های این ناهمگونی ساختاری چیست؟ ساختار سیاسی جمهوری اسلامی، ترکیبی از عناصر ناهمگون بوده است. عناصری از ایدئولوژی مذهبی، بوروکراسی مدرن، فرهنگ استبداد سیاسی و دینی، شبکه‌های نظامی و امنیتی و نهادهای اقتصادی شبه‌دولتی، ساختاری سیاسی را تشکیل داده‌اند. این ترکیب چندلایه، نه تنها انسجام درونی ندارد، بلکه به تناقض‌های نظری و عملی منجر شده است. در نتیجه، نظام سیاسی ایران بیشتر شبیه یک مجموعه پراکنده از مراکز قدرت است تا یک ساختار منسجم حکومتی. این وضعیت، زمینه‌ساز بحران‌های مدیریتی و ناکارآمدی در سیاست‌گذاری شده است. البته باید اذعان کرد که پیچیدگی ساختار سیاسی به نوعی به سردمداران و افراد رده اول نظام کمک کرده و آن‌ها را در برخی از موارد در نگاه برخی از فعالان و مردمان غیرایرانی، مشروع و قانونی نشان داده است. تأثیر انقلاب ۱۳۵۷، ترکیب و تلفیق ایدئولوژی مذهبی و فرهنگی با ساختار دولت مدرن و سرکوبگر، در شکل دادن این سیستم سهمیم بودند. ترکیب مدل ولایت فقیه با ساختار دولت مدرن ناکارآمد ایرانی، منشأ شکل‌گیری این نوع از رژیم شده که کمتر با مدل‌های موجود در جهان همخوانی دارد. البته جنگ هشت‌ساله با عراق، جنگ در کوردستان و مناطق دیگر کشور برای سرکوب آزادی‌خواهان و دگراندیشان، نهادهای نظامی و امنیتی را در این کشور تحت رهبری فردی به نام ولی فقیه تقویت کرد. دوران پس از جنگ و سیاست‌های اقتصادی در دهه‌های گذشته، بنیادهای موازی را در دایره قدرت و حوزه سیاست عملی خلق نمود. در نظام جمهوری اسلامی، ولی‌فقیه در رأس هرم قدرت قرار گرفته و با نظارت و کنترل همه نهادها و مراکز قدرت، تلاش کرده است روند ایدئولوژیک را ادامه دهد و نظام را در محور داخلی و خارجی با چهره‌ای چندگانه معرفی کند. این چندگانگی، یکی از ویژگی‌های اصلی رژیم است که آن را پیچیده و نامنسجم کرده است. نهادهای کشوری و اداری در موازات یکدیگر قرار گرفته‌اند و اغلب بدون هماهنگی عمل می‌کنند. نوع عملکرد این نهادها، به‌ویژه نهادهای حکومتی، بنیادها و نهادهای وابسته به سپاه پاسداران و بیت رهبری، در بسیاری از موارد نقش ویژه‌ای ایفا می‌کنند. نقشی که این نهادها و بنیادها بر عهده دارند، در چارچوب نظام‌های قانونی متعارف جهان نمی‌گنجد. سیاست این نهادها و مراکز قدرت در حوزه‌های اقتصاد، نظامی، امنیتی و رسانه‌ای، چه در عرصه داخلی و چه در سطح خارجی، عمدتاً به‌عنوان ابزار اعمال نفوذ و کنترل به‌کار گرفته شده است؛ رویکردی که در تاریخ این رژیم به‌صورت یک روش ثابت و معمول تکرار شده و به بخشی از ساختار رفتاری آن تبدیل شده است. این سیاست‌ها تا حدی در بعد خارجی موفق بوده‌اند، اما پیامدهای آن در سطح داخلی اغلب گمراه‌کننده و مخرب بوده است. دوگانگی رفتاری مسئولان و رهبران جمهوری اسلامی در سیاست خارجی، تأثیر بیشتری بر روابط بین‌الملل داشته، در حالی‌که در هدایت مبارزات مردمی در داخل، نقش انحرافی ایفا کرده است. پیچیدگی رژیم، ارتباط مستقیم با ساختار غیردموکراتیک انتخاباتی و انتصابی دارد. در نگاه نخست،

حزب دموکرات کوردستان ایران:

از همه مردم و جریان‌های
سیاسی دموکرات و آزادی‌خواه
می‌خواهیم یکپارچه و متحد در
برابر رژیم آدم‌کش ایران بایستند



مردم مبارز و ح‌ق‌طلب کوردستان!
ملت‌های آزادی‌خواه ایران!

مجامع و سازمان‌های بشردوستانه بین‌المللی!

پس از گذشت چند روز از آغاز اعتراضات مردم به‌ستوه‌آمده ایران نسبت به وضعیت ناگوار معیشتی و حاکمیت ظلم و دیکتاتوری بر کشور، علیرغم سرکوب‌ها و تهدیدهای پی‌درپی رژیم، دامنه این تظاهرات به‌گونه‌ای چشمگیر گسترش یافته و شهرها و مناطق بیشتری به این جنبش مردمی پیوسته‌اند. این اعتراضات که در آغاز عمدت ماهیتی اقتصادی داشت، با گذشت زمان، هر روز بیش از پیش به کنشی فراگیر برای طرح مطالبات سیاسی مردم و سردادن شعارهایی در راستای استیفای حقوق دموکراتیک و انسانی آنان بدل شد؛ اما همان‌گونه که انتظار می‌رفت، با برخوردی خشن، سازمان‌یافته و وحشیانه از سوی رژیم و نهادهای سرکوبگر آن مواجه گردید.

در پی حضور شجاعانه مردم در میدان و سرکوب خونین آنان توسط نیروهای ضد مردمی رژیم، تاکنون ده‌ها تن از شهروندان بی‌گناه در شهرها و مناطق مختلف استان‌های ایلام، کرمانشان، لرستان، همدان و دیگر نقاط ایران کشته و زخمی شده‌اند. افزون بر این، صدها نفر توسط نیروهای سرکوبگر رژیم ربوده شده و به بازداشتگاه‌ها و شکنجه‌گاه‌ها منتقل گردیده‌اند.

در تازه‌ترین نمونه از این جنایات، امروز شنبه ۱۳ دی‌ماه، در جریان اعتراضات منطقه ملکشاهی استان ایلام، چندین تن از مردم آزادی‌خواه این منطقه به دست مزدوران رژیم کشته و زخمی شدند. همچنین شمار مجروحان در شهر ملکشاهی بسیار بالاست و مجروحان حاضر در اتاق‌های عمل با کمبود شدید خون و پزشک مواجه‌اند. از این‌رو، مردم این منطقه خواستار کمک‌رسانی فوری و ارسال امکانات لازم برای تأمین پزشک و خون مورد نیاز مجروحان شده‌اند.

هم‌زمان، تا لحظه تنظیم این اطلاعیه، منطقه در وضعیت بسیار متشنجی قرار دارد؛ تیراندازی و درگیری نیروهای سرکوبگر رژیم علیه مردم ح‌ق‌طلب ملکشاهی همچنان ادامه دارد، آمار جان‌باختگان رو به افزایش است و ده‌ها تن از مجروحان این فاجعه دچار جراحات عمیق بوده و جان آنان با خطر جدی مواجه است.

حزب دموکرات کوردستان ایران، ضمن محکوم‌کردن قاطعانه جنایات و کشتار جمعی جمهوری اسلامی علیه مردم ح‌ق‌طلب کشورمان، اعتراض و مبارزه برای تغییر این وضعیت را حق مشروع ملت خود می‌داند و از همه مردم و جریان‌های سیاسی دموکرات و آزادی‌خواه می‌خواهد که یکپارچه و متحد، در برابر ویرانگری‌ها و سرکوب‌های رژیم آدم‌کش ایران ایستادگی کنند و پشتیبان مبارزه برای به زانو درآوردن این رژیم و پایان‌دادن به ستم و دیکتاتوری حاکم بر کشورمان باشند.

همچنین، به خانواده‌های سربلند شهدای این کاروان ح‌ق‌طلبی صمیمانه تسلیت می‌گوییم و اطمینان داریم که خون فرزندان این میهن هرگز هدر نخواهد رفت و آزادی و رهایی را برای ملتشان به ارمغان خواهد آورد.

در پایان، از مجامع و سازمان‌های بشردوستانه بین‌المللی درخواست می‌کنیم که به هر طریق ممکن، اقدامات لازم و فوری را برای رساندن کمک به مردم و پشتیبانی از جنبش آزادی‌خواهی ملت‌های ایران به‌عمل آورند و مانع تداوم کشتار مردم توسط رژیم جمهوری اسلامی شوند.

حزب دموکرات کوردستان ایران

هیئت اجرایی

۱۴۰۴/۱۰/۱۳ خورشیدی

"کوردستان"

به‌مثابه یک مکتب و سازهی آموزشی



هشتادسالگی برای «کوردستان» سن بازنشستگی نیست، بلکه زمان نوسازی، بازاندیشی و انطباق با شرایط جدید جامعه کوردستان است. اگر این روزنامه می‌خواهد همچنان تأثیرگذار بماند، ناگزیر است در فرم، محتوا و روش‌های کاری خود تحول ایجاد کند؛ از چندکاناله شدن و بهره‌گیری از پادکست و ویدئو گرفته تا حضور فعال در پلتفرم‌های دیجیتال. در عین حال، حفظ دقت، اخلاق حرفه‌ای و صداقت روزنامه‌نگاری، به‌ویژه در عصر اخبار جعلی، مهم‌ترین سرمایه «کوردستان» باقی می‌ماند.

است تعادلی ظریف حفظ کند؛ نه در سیاست مرکز حل شود و نه از آن گسست کامل یابد.

در کشوری که زبان مادری به امری خصوصی تقلیل داده می‌شود و رسانه‌های کوردی همواره زیر فشار امنیتی قرار دارند، انتشار «کوردستان» به دو زبان کوردی و فارسی نقشی فراتر از یک روزنامه معمولی به آن بخشیده است. این رسانه زبان کوردی را از حاشیه و موزه بیرون آورده و به زبان سیاست، حقوق و مدرنیته ارتقا داده است؛ پاسخی روشن به پروژه‌هایی که می‌کوشند مسئله کورد را به حاشیه برانند.

هشتادسالگی برای «کوردستان» سن بازنشستگی نیست، بلکه زمان نوسازی، بازاندیشی و انطباق با شرایط جدید جامعه کوردستان است. اگر این روزنامه می‌خواهد همچنان تأثیرگذار بماند، ناگزیر است در فرم، محتوا و روش‌های کاری خود تحول ایجاد کند؛ از چندکاناله شدن و بهره‌گیری از پادکست و ویدئو گرفته تا حضور فعال در پلتفرم‌های دیجیتال. در عین حال، حفظ دقت، اخلاق حرفه‌ای و صداقت روزنامه‌نگاری، به‌ویژه در عصر اخبار جعلی، مهم‌ترین سرمایه «کوردستان» باقی می‌ماند.

اکنون که «کوردستان» در آستانه ورود به قرن‌ی تازه از حیات خود قرار دارد، پرسش بنیادین این است که آیا می‌تواند از «ارگان حزب» به زبان گویای تمام جنبش رهایی‌بخش ملت کورد در کوردستان ایران بدل شود؟ پاسخ به این پرسش، جایگاه و آینده سیاسی این روزنامه را رقم خواهد زد. در نهایت، وظیفه نخست و پایانی «کوردستان» آن است که اجازه ندهد ملت کورد، هویت، تاریخ و حافظه جمعی خود را به فراموشی بسپارد.

ستمی که بر مردم کوردستان اعمال می‌شود و با ارجاع ریشه‌های آن به ساختار حاکمیت دولت مرکزی، نشان داده است که مسئله کورد نه یک مسئله امنیتی محدود، بلکه معیاری اساسی برای سنجش دموکراسی در سراسر ایران است.

از سوی دیگر، «کوردستان» با بازتاب و صورت‌بندی مطالبات سیاسی، فرهنگی و اجتماعی اقشار مختلف جامعه، نه‌تنها به ارگان جنبش کوردستان بدل شده، بلکه این جنبش را از انحصار نخبگان خارج کرده و با توده‌های مردم پیوند داده است. ملت‌ها صرفاً با خاک و خون تعریف نمی‌شوند؛ آن‌ها با حافظه مشترک، تاریخ مشترک، فرهنگ و روایت مشترک زنده‌اند. در شرایطی که حاکمیت مرکزی می‌کوشد ملت‌های غیرفارس را به حاشیه براند یا مبارزات آنان را تحریف کند، روزنامه «کوردستان» به دفتر ثبت رویدادهای کوردستان و آینه مقاومت مردم کورد در برابر ستم و استثمار ملی بدل شده است.

فراتر از این، «کوردستان» با ثبت شکست‌ها، عقب‌نشینی‌ها، پیشروی‌ها و فراز و نشیب‌های مسیر مبارزه، اجازه نداده است تجربه تاریخی نسل‌های پیشین به فراموشی سپرده شود. از همین رو، این روزنامه نقشی فراتر از یک رسانه خبری یافته و به‌مثابه یک مدرسه و نهادی آموزشی عمل کرده است؛ نهادهی که در عصر رسانه‌های زودگذر و شبکه‌های اجتماعی، عمق تاریخی به مبارزه می‌بخشد و از تکرار خطاها جلوگیری می‌کند.

یکی از پیچیده‌ترین نقش‌های «کوردستان»، ایفای هم‌زمان نقش در دو میدان سیاست کوردستانی و سیاست سراسری ایران است. در میدان کوردستانی، این نقش به معنای دفاع از هویت، زبان، فرهنگ، موجودیت ملت کورد و حقوق ملی مردم کوردستان و ایستادگی در برابر تلاش‌هایی است که می‌کوشند مسئله کورد را به موضوعی امنیتی یا صرفاً فرهنگی تقلیل دهند. در میدان سراسری، این نقش به گفت‌وگو با مرکز، تعامل با نیروهای دموکراسی‌خواه ایران و پیوند زدن حقوق ملی کورد با پروژه دموکراتیزاسیون ایران معنا می‌یابد. «کوردستان» در این مسیر کوشیده



ابراهیم لاجانی

هشتاد سال تداوم و استمرار برای یک روزنامه، آن هم در خاورمیانه‌ای که عمر مطبوعات و نهادهای مدنی غالباً کوتاه، گسسته و ناپایدار است، به‌خودی‌خود دستاوردی بزرگ و کم‌نظیر به‌شمار می‌آید. با این حال، برای روزنامه «کوردستان»، ارگان رسمی حزب دموکرات کوردستان ایران - این بازه زمانی صرفاً یک گذر تقویمی نیست، بلکه روایت عبور از چندین رژیم سیاسی، تجربه دوره‌های متوالی سرکوب و امید، و زیستن در متن یکی از پیچیده‌ترین گره‌های کور

سیاسی در ایران است. نخستین شماره این روزنامه در تاریخ ۲۰ دی‌ماه ۱۳۲۴ (ژانویه ۱۹۴۶)، هم‌زمان با تأسیس حزب دموکرات کوردستان و در دوران شکل‌گیری جمهوری کوردستان منتشر شد. اسناد تاریخی نشان می‌دهند که «کوردستان» حتی در سخت‌ترین شرایط، در سال‌های سرکوب و خشونت، چه به‌صورت زیرزمینی و چه در تبعید، انتشار خود را متوقف نکرده است. اما اهمیت «کوردستان» تنها در قدمت تاریخی آن خلاصه نمی‌شود؛ پرسش اساسی این است که این روزنامه چگونه توانسته از نقش کلاسیک «ارگان حزبی» فراتر رود و به نهادی برای سازمان‌دهی سیاسی و بنیان‌گذاری حافظه جمعی در کوردستان تبدیل شود.

رسانه‌های حزبی همواره در معرض این خطر قرار دارند که به تریبونی یک‌سویه و بلندگوی تبلیغاتی تقلیل یابند. با این حال، در جوامعی که تحت ستم سیستماتیک سیاسی، اجتماعی و فرهنگی قرار دارند، چنین رسانه‌هایی می‌توانند کارکردی متفاوت و نقشی تعیین‌کننده ایفا کنند. روزنامه «کوردستان» در طول حیات خود کوشیده است سه وظیفه اساسی را به‌طور هم‌زمان پیش ببرد:

- بیان مسائل پیچیده سیاسی به زبانی روشن و قابل فهم برای توده‌های مردم؛
- روایت رویدادهای گوناگون در نقاط مختلف کوردستان و تبدیل آن‌ها به روایتی جمعی که به تجربه مشترک مردم معنا ببخشد؛
- ایجاد فضا و امکان دیالوگ، نه‌تنها در درون جنبش آزادی‌خواهانه کوردستان، بلکه در ارتباط با نیروهای سیاسی سراسری ایران.

هنر اصلی در این مسیر آن بوده است که وفاداری تشکیلاتی، مانع شنیدن صدای اقشار و لایه‌های متنوع جامعه نشود و روزنامه دچار کوری ذهنی و تعصب حزبی نگردد؛ چالشی که همچنان پیش روی «کوردستان» قرار دارد.

یکی از مهم‌ترین مراحل مبارزه سیاسی، تبدیل نارضایتی‌های روزمره توده‌های مردم به برنامه‌ای سیاسی و منسجم است؛ یعنی بدل کردن ستم، تبعیض، استثمار و خشونت که بر مردم روا داشته می‌شود به مطالبه‌ای سیاسی و آگاهانه. روزنامه «کوردستان» در طول حیات خود در این زمینه نقشی مؤثر ایفا کرده است. این روزنامه با طرح همه‌جانبه

از نهاد نمایندگی تا ابزار قدرت واکاوی حقوقی مشروعیت مجلس شورای اسلامی



سهراب رحمتی

مجلس شورای اسلامی در ۳۱ تیر ماه ۱۳۵۹ با پایان دادن به مجلس شورای ملی تغییر نام و توسط جمهوری اسلامی ایران تأسیس شد. این نهاد یک نهاد کلیدی در ساختار حکومتی جمهوری اسلامی ایران تعریف شده است که نقش آن تأثیر مستقیم بر فرآیند تصمیم گیری، سیاستگذاری و مدیریت امور کشور تلقی شده است. در این جستار سعی می‌شود که نخست با تأکید براساسی ترین وظایف پارلمان یا مجلس نمایندگان که همانا نماینده غیرمستقیم اراده جمعی شهروندان در هر چهارچوب جغرافیایی یا نظام سیاسی در هر کشور می‌باشند و ثانياً به مناسبت دهم دسامبر روز جهانی حقوق بشر به عملکرد و مشروعیت مجلس شورای اسلامی ایران در خصوص وضعیت حقوق بشر که یکی از وظایف اساسی آن می‌باشد، بپردازد.

از منظر حقوق اساسی، هر نهادی که وظیفه قانون گذاری را بر عهده دارد، در واقع حاکمیت را اعمال می‌کند. با تأکید بر اینکه پارلمان یا مجلس نمایندگان مرجع اصلی وضع قواعد الزام‌آورعمومی می‌باشد، قانون گذاری وظیفه اصلی آن می‌باشد که شامل "تصویب، اصلاح و لغو قوانین عادی کشور"، "چهارچوب حقوقی اداره جامعه" و "تعریف حقوق و آزادی‌های شهروندان و تضمین آن" می‌باشد. بنابراین پارلمان تجسم حاکمیت مردم می‌باشد و نظام‌های سیاسی مشروعیت سیاسی خود را از این نهاد به دست می‌آورند. بر این منوال باید به چند ویژگی این نهاد و نمایندگان آن اشاره‌ای داشت. اعضای این نهاد مهم منتخب‌های مستقیم یا غیر مستقیم مردم می‌باشند که پل ارتباطی بین مردم و حاکمیت هستند و وظیفه اصلی این نهاد محافظت از منافع مردم و جامعه، نه منافع دولت یا نهادهای قدرت می‌باشد. از طرفی دیگر نظارت بر دولت یا همان قوه مجریه، استیضاح وزرا یا نخست وزیر، رأی اعتماد یا عدم اعتماد آنها، یکی دیگر از وظایف مهم آن است که اصل تفکیک قوا آن را می‌طلبد.

اصل استقلال مجلس شورای اسلامی

با نگاهی به جایگاه و عملکرد مجلس شورای اسلامی و همچنین نحوه تأیید صلاحیت اعضای این نهاد در نظام جمهوری اسلامی ایران می‌توان آن را یک نهاد تقنینی انتصابی - نظارتی یا یک نهاد غیرمستقل و مشروط به فرامین ولایت فقیه خطاب کرد. فارغ از اینکه مجلس شورای اسلامی توسط قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر اصول ولایت فقیه و آموزه‌های شخص روح الله خمینی و نیروهای انقلابی همسو با وی نامگذاری شد و مردم یا عقل عمومی جامعه در آن دخیل نبودند، اختیارات این نهاد نیز با فلسفه وجودی پارلمان یا مجلس نمایندگان مردم نیز بسی جای تأمل دارد که بصورت تیتروار به آن اشاره می‌شود:

اختیار قانونگذاری

با توجه به اصل ۷۸ قانون اساسی و از منظر حقوقی تدوین قوانین، تنظیم و بررسی متون قانون و تصویب و تفسیر آن، از اختیارات مجلس شورای اسلامی است، اما ابتکار تدوین قوانین در عمل عمدتاً در اختیار دولت می‌باشد و غالباً مجلس نقش تصویب کننده و اصلاح محدود را بر عهده دارد. از طرفی دیگر و در مقام تصویب و تفسیر قوانین عادی در حوزه‌های اقتصادی، کیفری، مدنی، اجتماعی و ... که از مهم‌ترین اختیارات مجلس می‌باشد، محدودیت‌هایی برای این نهاد وجود دارد که نباید با نظرات شورای نگهبان در تعارض باشد و در صورت اختلاف نظرات شورای نگهبان حکم می‌کند. در صورتی که مجلس بر رأی خود اصرار داشته باشد، مطابق اصل ۱۱۲ قانون اساسی، موضوع برای تصمیم نهایی به مجمع تشخیص مصلحت نظام ارسال می‌شود و رأی مجمع تشخیص بر آن مقدم و لازمالاجرا می‌باشد. نکته مهم این است که در تفسیر قانون اساسی مطابق با اصل ۹۸ رأی شورای نگهبان قطعی می‌باشد، اما در قانون گذاری عادی و در صورت تضاد موضوع به مجلس تشخیص مصلحت ارسال می‌شود. لازم به ذکر است که رئیس و اعضای مجلس تشخیص مصلحت نظام مطابق با اصل

۱۱۲ قانون اساسی با حکم مستقیم رهبر برای مدت مشخصی انتصاب می‌شوند و همچنین شورای نگهبان که نقش تقنینی پنهان را دارد و حافظ سیاست‌های کلی نظام و قانون اساسی برگرفته از شریعت اسلام می‌باشد که شش نفر از اعضای آن فقها می‌باشند که توسط شخص رهبر انتصاب و شش نفر دیگر آنها از حقوقدانان مسلمان که توسط رئیس قوه قضائیه که خود از جانب رهبر انتصاب می‌شود، تشکیل می‌شود. در این حالت نقش مجلس از قانون گذاری به پیشنهاد دهنده مشروط قوانین تقلیل می‌یابد.

اختیار نظارتی

نظارت بر قوه مجریه که نماد اصل تفکیک قوا می‌باشد و در اصول ۸۸ و ۸۹ قانون اساسی تنظیم شده‌اند یکی دیگر از مهم‌ترین اختیارات مجلس شورای اسلامی می‌باشد. بنابراین اختیار مجلس می‌تواند سازوکار پرسشگری، تذکر، استیضاح وزرا، رأی اعتماد و عدم آن و عدم کفایت سیاسی رئیس جمهور را در پروژه کاری خود قرار دهد اما آشکار است که با وجود اینکه رئیس جمهور در نظام جمهوری اسلامی ایران در انتخابات عمومی انتخاب می‌شود، اما این انتخاب آزاد و رقابتی نیست، زیرا قبل از انتخابات نامزدها تحت نظارت استصوابی شورای نگهبان غربال و نامزدهای مستقل و منتقد حذف و چند نامزد پایبند و متعهد به ایدئولوژی رهبری، از طرف شورای نگهبان به عرصه انتخابات راه می‌یابند. سپس رئیس جمهور موظف است که کاندیداهای خود را برای رأی اعتماد به مجلس شورای اسلامی معرفی نماید که قبل از آن همه کاندیدها باید از فیلتر نهادهای سیاسی - امنیتی عبور کنند. بنابراین این در این نوع ساختار سیاسی هر چند که قوه مجریه در معرفی کاندیدهای کابینه خود فاقد استقلال می‌باشد، اما از نظر پایگاه سیاسی در مقابل مجلس شورای اسلامی بلند پرواز می‌باشد و بیشتر در تنها برابر نهادهای امنیتی رهبری جوابگو هستند.

مراحل تأیید صلاحیت اعضای مجلس شورای اسلامی

در سطح حوزه انتخابی شهرستان و در مرحله نخست افراد واجد شرایط مطابق با ماده ۴۵ - ۵۰ قانون انتخابات در فرمانداری حوزه انتخابی خود ثبت نام به عمل می‌آورد. گام اول که روند غربالگری نخست است، توسط هیأت اجرایی شهرستان که متشکل از فرماندار، دادستان، رئیس ثبت و احوال و هشت نفر معتمد محلی فرماندار می‌باشد، شروع می‌شود. گام دوم استعلام‌های چهارگانه و مداخله رسمی دخالت نهادهای امنیتی شروع می‌شود. نیروی انتظامی سوابق بازداشتی، امنیتی و انتظامی و گزارش تجمعات، احضارها و متعهد بودن کاندیداهای مجلس حتی بدون محکومیت قضایی مورد بررسی قرار می‌دهد. وزارت اطلاعات مسئول بررسی و تفتیش عقاید سیاسی و مذهبی، فعالیت‌های مدنی و ارتباط با احزاب، رسانه‌ها و مخالفین داخلی و خارجی جمهوری اسلامی است و نقش و گزارش‌های این نهاد بسیار محرمانه و غیر قابل دسترسی هر نامزد انتخاباتی می‌باشد. دادستانی و قوه قضائیه نیز به بررسی پرونده‌های مفتوح یا مخومه نامزدها (حتی

پرونده‌های غیر مخومه، امنیتی، عقیدتی و سیاسی) می‌پردازد. همچنین اداره ثبت و احوال مسئول بررسی شروط و وضعیت حقوقی نامزدها می‌باشد. گام بعدی نقش عملی اما غیر رسمی و مؤثر سازمان اطلاعات سپاه از طریق گزارش‌های امنیتی موزی و گزارش‌های هیأت‌های نظارتی و دادستانی می‌باشد که بر روند تأیید یا رد صلاحیت‌ها اعمال می‌شود. در گام بعدی اولین تصمیم هیأت اجرایی شهرستان طبق ماده ۵۲ قانون انتخابات روند تأیید اولیه یا رد صلاحیت تحت عناوین کلی مانند "عدم التزام به نظام" یا "عدم التزام عملی به موازین اسلام" بدون الزام به ارائه دلیل صورت می‌پذیرد.

در مرحله دوم هیأت نظارت استان که بازوی شورای نگهبان می‌باشد مطابق مفاد ۵۴ - ۵۶ و با تکیه بر گزارش‌های نهادهای شهرستان از قبیل وزارت اطلاعات، اطلاعات سپاه پاسداران و سایر نمایندگی نهادهای امنیتی (بنیاد مستضعفان، سپاه پاسدارن، ستاد اجرایی امام، آستان قدس رضوی، قرارگاه خاتم الانبیا و شورای عالی انقلاب فرهنگی) گزارش خود را آماده و به شورای نگهبان الحاق می‌نماید.

مرحله سوم، شورای نگهبان که مرجع اصلی و نهایی می‌باشد مطابق با اصل ۹۹ قانون اساسی و اصول ۵۷ - ۶۰ قانون انتخابات بدون الزام به ارائه دلیل و حتی امکان اعتراض مؤثر رد صلاحیت یا تأیید آن را اعلان می‌دارد.

شایان ذکر است که فرماندار توسط وزارت کشور منصوب می‌شود و انتصاب او عملاً منوط به تأیید نهادهای امنیتی، به‌ویژه وزارت اطلاعات است؛ مسئول اول نیروی انتظامی در هر سطح توسط فرمانده کل این نیرو منصوب می‌شود که خود فرمانده کل، مستقیماً منصوب رهبر جمهوری اسلامی است؛ وزیر وزارت اطلاعات با پیشنهاد رئیس‌جمهور منصوب می‌شود، اما این انتصاب منوط به تأیید و تحت نظارت مستقیم رهبر است؛ رئیس اطلاعات سپاه توسط فرمانده کل سپاه منصوب می‌شود و فرمانده کل سپاه نیز منصوب رهبر است؛ دادستان‌ها توسط رئیس قوه قضائیه منصوب می‌شوند و رئیس قوه قضائیه مستقیماً از سوی رهبر منصوب می‌گردد؛ در نهایت، شورای نگهبان مرکب از شش فقیه منصوب مستقیم رهبر و شش حقوقدان معرفی‌شده از سوی رئیس قوه قضائیه و منتخب مجلس است، که با توجه به انتصابی بودن رئیس قوه و فقیهان، این شورا نیز عملاً تحت کنترل رهبر قرار دارد؛ بدین‌ترتیب، زنجیره انتصاب و تأیید صلاحیت همه این مقامات، مستقیم یا غیرمستقیم، به رهبر جمهوری اسلامی بازمی‌گردد.

عملکرد حقوق بشری مجلس

عملکرد مجلس در بازه زمانی پنج سال گذشته در حوزه بهبود حقوق بشر نه تنها اصلاحی نبوده، بلکه تشدیدکننده نقض حقوق بشر بوده و در تعارض آشکار با تعهدات بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران بوده است که مختصر به عناوین و محتوای آن اشاره می‌نمایم.

۱. قانون یا طرح "حمایت از خانواده از طریق ترویج فرهنگ عفاف و حجاب" که به نقض حقوق زنان، آزادی پوشش، حریم خصوصی و از طرفی دیگر افزایش جرم

انگاری و مجازات‌های اداری، مالی و قضایی انجامیده است.

۲. طرح "صیانت از حقوق کاربران در فضای مجازی" که دسترسی به اطلاعات را محدودتر ساخته است و نقض آشکار آزادی بیان و حقوق دیجیتال می‌باشد و از طرفی دیگر راه را برای محدودسازی اینترنت و پلتفرم‌های ارتباطی بیشتر هموار ساخته است.

۳. "اصلاحات قانون مجازات اسلامی و گسترش عناوین امنیتی" در این اصلاحیه مجازات جرم‌های "تبلیغ علیه نظام"، "اجتماع و تبانی" بیشتر شده است و استفاده گسترده آن متوجه فعالان مدنی و سیاسی می‌شود.

۴. قوانین مرتبط با مقابله با "اخلال در نظم عمومی" همچون:

ا. استفاده موسع از ماده ۶۱۸ قانون مجازات اسلامی که بیشتر شامل مشارکت در اعتراضات، تجمعات، شعارنویسی و بستن خیابان‌ها می‌شود.

ب. تقویت و تفسیر ماده ۵۰۰ با محتوای تبلیغ علیه امنیت نظام می‌باشد و شامل مصاحبه‌ها، اظهار نظرها و حتی مشارکت در فضای مجازی می‌شود.

پ. طرح "تشدید مجازات همکاری با دولت‌های سیاسی و رسانه‌ای می‌باشد.

ت. اصلاحات و رویه‌های قضایی پس از "جنبش ژینا" در سال ۱۴۰۴ که به تصریح دادرسی‌ها، محدودیت وکیل انتخابی و احکام سنگین با عناوین "اخلال در نظم"، "محاربه" و "افساد فی الارض" انجامیده است.

ث. قوانین و مقررات‌های مکمل امنیتی - اداری که محرومیت‌های شغلی و تحصیلی، چریمه‌های مالی و اکثراً مسدود سازی حساب‌ها را بدون حکم دادگاه در برمی‌گیرد.

نتیجه‌گیری:

در قالب نتیجه‌گیری و با استناد به عملکرد مجلس شورای اسلامی و مداخله نهادهای دیگر در حوزه اختیارات این نهاد و همچنین با توجه به عدم نقش عقل عمومی که همانا مردم می‌باشند، در انتخاب نماینده خود، پر واضح است که مجلس شورای اسلامی دارای یک مشروعیت شکلی و نه محتوایی قانونی - دولتی، به عنوان نماینده دولت را دارا است. اما از جنبه دموکراتیک بودن، اجتماعی و مردمی بودن و کارکردی مجلس فاقد مشروعیت می‌باشد. لازم به ذکر است که مشروعیت دموکراتیک زمانی کسب می‌شود که انتخابات آزاد و رقابت واقعی بدون دخالت نهادهای جانبی صورت پذیرد و مردم بتوانند آزادانه نماینده خود را انتخاب کنند و همچنین نهاد انتخابی، قدرت عملی و واقعی داشته باشد. همچنین می‌توان فقدان مشروعیت اجتماعی را از سیستم تک حزبی و ممنوعیت تعدد احزاب، مشارکت پایین مردم در انتخابات، نارضایتی شدید از عملکرد مجلس و نماینده‌ها و فاصله عمیق میان میان جامعه و حاکمیت جستجو کرد. در آخر عدم مشروعیت کارکردی این نهاد است که شامل وجود بحران‌های اقتصادی، عدم مشروعیت سیاسی، وجود فساد و نابرابری اجتماعی، بحران‌های منطقه‌ای و بین‌المللی و مهم‌تر از همه عدم تحقق و بهبود وضعیت حقوق بشر است که خمیرمایه این جستار می‌باشد.



سوران علیپور

با گذشت هشتاد سال از چاپ و انتشار اولین شماره روزنامه کوردستان در ۲۰ دی ماه ۱۳۲۴ و نگاهی به گذشته پر از فراز و نشیب و موانع این روزنامه، با جسارت می‌توانیم بگوییم که دیگر از یک روزنامه به عنوان ارگان و زبان‌حال یک حزب سیاسی صحبت نمی‌کنیم؛ ما در برابر میراثی سیاسی و فرهنگی از یک ملت ایستاده‌ایم که در طول هشتاد سال از مسئله روای کورد دفاع کرده و محافظ همیشگی فرهنگ و زبان آن بوده است. میراثی که علاوه بر اینکه منبعی مهم برای ثبت تاریخ جمهوری و رویدادهای کوردستان به ویژه کوردستان ایران است، همزمان نمونه‌ای از نشریه‌ای با نفس طولانی است که بیشتر عمر خود را در آوارگی، جنگ، محاصره، بی‌پناهی، تهدید و مخفی‌کاری سپری کرده است.

این روزنامه که چند روز پیش از تأسیس جمهوری کوردستان به عنوان ناشر اندیشه حزب دموکرات کوردستان منتشر شد و به نوعی ادامه‌دهنده مجله “نیشتمان” جمعیت ژ-کاف بود، هم تاریخش و هم سرنوشتش با سرنوشت حزب و ملتش گره خورد. کوردستان علاوه بر اینکه ستونی استوار در روزنامه‌نگاری کوردی است، همزمان دارای مجموعه‌ای از خصلت‌ها و ویژگی‌هایی است که چهره‌ای متفاوت به “کوردستان” بخشیده‌اند. نام‌گذاری روزنامه به نام “کوردستان”، درست مانند اولین روزنامه کوردی که توسط مقدار مدحت

بدرخان حدود نیم قرن پیشتر منتشر شده بود، حاوی پیام‌های نمادین و زبانی بود که علاوه بر نقش سیاسی‌اش، پیوندی زبانی و فرهنگی میان دو لحظه تاریخی ایجاد می‌کرد؛ دورانی که کورد در آستانه قرنی پر از رویداد و تغییرات به سطحی از هوشیاری ملی رسیده بود، همگام با دوران تأسیس جمهوری به عنوان فرصتی برای نهادینه کردن این هوشیاری ملی.

انتشار کوردستان در یکی از دوران‌های طلایی روزنامه‌نگاری کوردی و در کنار مجموعه‌ای از مجلات و نشریات دیگر مانند نیشتمان، هاوار کورد، هالاله و گروگالی مندالان (قیل و قال کودکان) و خدمتی که در ۱۱۳ شماره “کوردستان” به زبان، هویت و فرهنگ کوردی کرد، جای تأمل و توجه است. در اولین شماره کوردستان، همراه با مصاحبه‌ای با پیشوا قاضی محمد درباره خواست‌ها و مطالبات حزب دموکرات کوردستان، همزمان اطلاعیه‌ای نیز منتشر شده است که از این پس تحصیل به زبان کوردی است و همه مردم را موظف می‌کند که فرزندانشان را برای تحصیل به مدارس بفرستند. از آن روز تا جدیدترین شماره کوردستان که اکنون در دست خوانندگان است، آن دو عنصر یعنی صیانت از مسئله سیاسی، هویتی و ملی خلق کورد از یک سو و حفاظت و توسعه زبان آن از سوی دیگر، دو ویژگی همیشگی کوردستان بوده‌اند.

برجسته شدن این دو مسئله در کوردستان مانند بسیاری از کنش‌های سیاسی دیگر، علاوه بر بلوغ احساسات ملی، واکنشی نیز به سیاست‌های تمامیت‌خواهانه رضاشاه بود که از طریق تقویت قدرت مرکزی و سانترالیسم سیاسی و اداری در تلاش برای ساختن هویتی برای مردم ایران بود. این هویت ساختگی بر مبنای حذف، به حاشیه راندن و تحریف فرهنگ و تاریخ ملل دیگر بنا شده بود؛ در واقع پروسه پیچیده‌ای از آسیمیلاسیون (ذوب فرهنگی) بود که از مدارس تا پادگان‌های ارتش اجرا می‌شد. زبان فارسی به عنوان زبان رسمی تعیین

شده بود و هرچیز که با تعریف رضاشاه برای آن هویت نوین ایرانی همخوانی داشت، مدرن، پیشرفته و با تمدن محسوب می‌شد و غیر از آن که فرهنگ و هویت ملل دیگر بود، به عنوان عقب‌ماندگی و عشیره‌ای بی‌فایده قلمداد می‌شد. سران ژ-کاف و سپس سران حزب دموکرات و جمهوری کوردستان نیز کاملاً خطر کانسپت دولت – ملت پهلوی را احساس کرده بودند و هم در نشریه “نیشتمان” و هم در شماره‌های روزنامه “کوردستان”، این اهمیت دادن به هویت مشترک و سرنوشت مشترک کورد کاملاً بازتاب یافته است.

شایان ذکر است که پس از فروپاشی جمهوری، روزنامه کوردستان دوباره به دست دانشجویان کورد در باکو که در زمان جمهوری به باکو فرستاده شده بودند، از سال ۱۳۲۶ منتشر می‌شود و به مدت حدود ۱۶ سال به عنوان ارگان حزب دموکرات کوردستان چاپ می‌شود. در آن دوره، کوردستان روزنامه‌ای مستقل نیست و ضمیمه‌ای از مجله آذربایجان، ارگان رسمی فرقه دموکرات آذربایجان است و سردبیر آن دوره کوردستان رحیم سیفی قاضی بود. این روزنامه در عمر هشتاد ساله خود تنها در دو مقطع تاریخی کوتاه به عنوان یک روزنامه عادی و در خاک کوردستان ایران (روژهلات) و به صورت آزاد چاپ و منتشر شده است. مرحله اول چند روز پیش از تأسیس جمهوری کوردستان آغاز می‌شود و تا غروب عمر کوتاه جمهوری ادامه می‌یابد و مرحله دوم نیز پس از قیام مردمان ایران برای چند ماه همزمان با مبارزات علنی حزب دموکرات، روزنامه با چاپ افست و در هزاران نسخه منتشر می‌شود. در مرحله اول، کوردستان بیشتر به عنوان زبان‌حال جمهوری کوردستان با تمام نهادهای سیاسی، نظامی و اداری‌اش نقش ایفا می‌کند. چهره‌های سرشناس تاریخ اندیشه و ادبیات کوردی مانند سید محمد حمیدی، هیمن، هژار حسن قزلبی و … در این روزنامه می‌نوشتند. مشارکت این قشر

از طبقه روشنفکر، شاعر، داستان‌نویس و ادیب در آن دوره از شماره‌های کوردستان، مهر ویژه‌ای به روزنامه بخشید که در مراحل بعدی و تا به امروز در صفحات روزنامه پیداست؛ یعنی همگام با انتشار پیام و مقالات سیاسی، وظیفه حفاظت از زبان و ادبیات کوردی را نیز وظیفه خود دانست. پس از سقوط جمهوری و با آواره شدن بخشی از اعضای حزب و نویسندگان روزنامه، برای مدتی موقت انتشار روزنامه کوردستان متوقف می‌شود تا سال ۱۹۷۱ که بار دیگر در بغداد و به دست اعضای حزب در تبعید چاپ می‌شود. در این دوره روزنامه کوردستان که تا به امروز ادامه دارد، دوباره کوردستان مدافعی شاخص برای مطالبات برحق مردم کوردستان و آیینه تمام‌نمای مبارزات و جنبش آن است و دوباره مسئله زبان و فرهنگ کوردی به دست کسانی که همزمان عضو مجمع علمی کورد (کۆری زانیاری کورد) هستند، اهمیت ویژه‌ای می‌یابد.

نخبگانی سیاسی و روشنفکر مانند دکتر قاسملو، ماموستا عبدالله حسن‌زاده، ماموستا هیمن، کاک کریم حسامی، کاک هاشم کریمی، کاک حامد امین سراجی، کاک حسن رستگار و جلال میراویسی و ده‌ها نفر دیگر و روشنفکران کوردستان عراق (باشور) نیز از نویسندگان شاخص این دوره کوردستان هستند. سرنوشت کوردستان پس از سقوط رژیم پادشاهی آمیزه‌ای از سرنوشت ملت کورد در آن بخش از کوردستان و صاحب امتیاز روزنامه است؛ دورانی پر فراز و نشیب که با انتشار چند شماره کوردستان در کوردستان آزاد آغاز می‌شود، تا می‌رسد به آوارگی و کوه به کوه شدن و انتقال از کوهستان به دشت (گرمیان) و در دو دوره نیز انتشار در دو مکان و در دو جلد متفاوت و با سیاست متفاوت. با همه این‌ها، کوردستان نشریه‌ای بوده که صداقت و شیوایی زبان خود را حفظ کرده و علی‌رغم فراز و نشیب‌های بسیار، از مسئله روای یک خلق صیانت



کرده و یکی از محافظان شاخص هویت آن بوده است. تأثیر کوردستان بر نویسندگان کورد، مجله سروه، مجله مه‌باد و بسیاری از روزنامه‌ها و نشریات و نوشته‌های دیگر که در کوردستان ایران منتشر می‌شدند، به آسانی قابل تشخیص است.

اکنون که پس از هشتاد سال شماره ۹۱۰ دوره دوم کوردستان را در دست دارید، شاید این سوال پیش بیاید که چطور روزنامه‌ای در این مدت طولانی تنها ۹۱۰ شماره از آن منتشر شده است. انتشار روزنامه به شیوه روزانه و به عنوان منبعی برای اخبار و اطلاعات به‌روز برای صاحب امتیاز کوردستان که همزمان رهبری یک جنبش سیاسی و مسلحانه را بر دوش داشته، کاری دشوار است. اما همین که کوردستان تداوم داشته و در بیست و پنج سال گذشته نیز به عنوان نشریه‌ای نیمه‌ماهنامه منتشر شده و محل رشد و پرورش ده‌ها قلم جدید بوده و دور از زادگاه خود صدای روژهلات (کوردستان ایران)، هویت و زبان آن بوده است، افتخاری بزرگ برای دو هم‌سرنوشت یعنی کوردستان و حزب دموکرات است.

از حکمرانی تا بقا: جمهوری اسلامی در آستانه فروپاشی



سوی دیگر، همان قانون به‌سادگی قابل تعلیق، تفسیرپذیر یا بی‌اثر می‌گردد. این دوگانگی، نه تناقض، بلکه ویژگی ذاتی وضعیت بقاست: قانون تا جایی معتبر است که مانع بقا نشود. در نتیجه، نظم حقوقی به‌جای آنکه چارچوبی پایدار برای کنش سیاسی فراهم آورد، به ابزاری انعطاف‌پذیر بدل می‌شود که با منطق اضطرار تنظیم می‌گردد. این فرسایش تدریجی قانون، بدون اعلام رسمی وضعیت استثنایی رخ می‌دهد؛ استثنا به‌صورت عادی‌شده در دل نظم حقوقی نفوذ می‌کند.

سیاست خارجی و بازتولید انسداد داخلی وضعیت بقا خود را در سیاست خارجی نیز نشان می‌دهد. کنش‌های بین‌المللی دولت نه لزوماً برای افزایش امنیت یا رفاه جامعه، بلکه برای بازتولید موازنه‌ای انجام می‌شوند که بقای درونی نظام را تضمین کند. تنش‌های بیرونی امکان بسیج، تعلیق مطالبات داخلی و بازتعریف ناراضایتی به‌مثابه تهدید داخلی را فراهم می‌آورند.

دولت دیگر قادر به اعمال قدرت نباشد؛ اما در وضعیت بقا، قدرت غالباً فشرده، متمرکز و پرهزینه اعمال می‌شود. همین تمرکز قدرت نشانه‌ای از ورود دولت به آستانه فروپاشی است: نقطه‌ای که در آن، تداوم نظم تنها با تعلیق آینده ممکن می‌شود. مسئله اصلی نه این است که آیا دولت فرو می‌پاشد یا نه، بلکه این است که تا چه زمانی می‌تواند در این تعلیق پایدار بماند، بدون بازسازی منطق حکمرانی.

وضعیت بقا: تعریف مفهومی

برای پرهیز از تقلیل وضعیت بقا به یک استعاره سیاسی، باید آن را به‌مثابه یک وضعیت مفهومی دقیق تعریف کرد. «بقا» در اینجا به معنای ادامه‌ی زیست بیولوژیک نظام سیاسی نیست، بلکه لحظه‌ای را نشان می‌دهد که دولت تداوم خود را بر تمامی کارکردهای دیگر مقدم می‌دارد. در چنین وضعیتی، دولت هنوز اعمال قدرت می‌کند، قانون وضع می‌کند و سیاست‌گذاری دارد؛ اما منطق درونی این کنش‌ها دیگر معطوف به سازمان‌دهی جامعه نیست، بلکه به تعویق انداختن لحظه‌ی فروپاشی است.

وضعیت بقا را می‌توان به‌منزله‌ی تعلیق حکمرانی فهمید؛ نه به این دلیل که دولت از حکمرانی ناتوان شده، بلکه چون حکمرانی دیگر مسئله اصلی نیست. سیاست از افق آینده تهی می‌شود و در اکنونی فشرده و اضطراری منجمد می‌گردد. این اکنون ممتد، زمان‌مندی خاصی ایجاد می‌کند که در آن، تصمیم‌ها نه برای حل مسائل، بلکه برای جلوگیری از انباشت بحران‌ها اتخاذ می‌شوند.

جامعه و نظم در وضعیت بقا

یکی از نشانه‌های ورود دولت به وضعیت بقا، استحاله امر عمومی به مسئله‌ای امنیتی

از این منظر، سیاست خارجی نه عرصه‌ای مستقل، بلکه امتداد مستقیم مدیریت وضعیت بقا در داخل است. این تنش‌ها، اگرچه ممکن است در کوتاه‌مدت انسجامی مصنوعی ایجاد کنند، اما در بلندمدت به فرسایش منابع، انزوای فزاینده و تقویت چرخه اضطرار می‌انجامند. دولت بیش‌ازپیش ناگزیر می‌شود برای حفظ تعادل موجود، هزینه‌های بیشتری بپردازد؛ هزینه‌هایی که خود نشانه‌ای از ناپایداری نظم هستند.

کلام پایانی

دولت در وضعیت بقا هنوز نفس می‌کشد، اما نفس‌هایش دیگر برای زندگی جامعه نیست؛ بلکه برای تمدید لحظه‌ای است که فروپاشی را عقب می‌راند. نظم وجودی‌اش، نه به‌مثابه تولید امکان زیست، بلکه به‌مثابه تعلیق آینده معنا می‌یابد. هر تصمیم، هر قانون و هر سیاست، تلاشی است برای خرید زمان، نه ساخت آینده. در این آستانه، قدرت خود را حفظ می‌کند، اما قیمت آن، از دست رفتن منطق حکمرانی و تهی شدن افق اجتماعی است.

وضعیت بقا، نه پایان، بلکه تجربه‌ای بی‌رحمانه از تعلیق است: دولتی که زنده است، اما زندگی را رها کرده است. آستانه فروپاشی را نباید به‌عنوان نقطه‌ای قطعی یا لحظه‌ای انفجاری فهم کرد. آستانه وضعیتی است که در آن دولت هنوز قادر به اعمال قدرت است، اما این قدرت دیگر قادر به تولید نظم پایدار نیست. نظم موجود به‌جای بازتولید، دائماً نیازمند مداخله، سرکوب و هزینه‌های فزاینده است. هرچه این هزینه‌ها افزایش یابد، فاصله دولت از حکمرانی عمیق‌تر می‌شود. در این معنا، فروپاشی نه یک رویداد، بلکه امکان دائمی درون وضعیت بقاست. پرسش اساسی این نیست که فروپاشی چه زمانی رخ می‌دهد، بلکه این است که آیا دولت می‌تواند از این وضعیت عبور کند و منطق حکمرانی را بازسازی کند یا در تعلیقی فرساینده باقی خواهد ماند که آینده را قربانی حال می‌کند.

خروشی دوباره خیابان‌ها



رضا دانشجو

سلطنت‌طلب می‌باشد که از هر ابزاری برای القای اینکه جامعه خواهان بازگشت حکومت سابق است استفاده کردند. شاید شعار مرگ بر دیکتاتور که از این سوی این رسانه‌ها با عنوان شعار انحرافی ارزیابی شد! بزرگترین پاسخ به همه کسانی است که در فکر تحمیل خمینی دیگری به این ملت هستند. ملیت‌های ایرانی سال‌هاست که از این بازی تکراری عبور کرده و به چیزی جز یک سیستم دموکراسی مبتنی بر حقوق بشر مثل تمامی دنیای آزاد راضی نمی‌شوند. دیگر آن زمان که عکس کسی را در ماه می‌دیدند سال‌هاست سپری شده است حالا مردم بیشتر از شعارهای توخالی و وعده‌های بی اساس، به واقعیات توجه دارند. این خیابان‌ها هستند که پایان همه دیکتاتورها را رقم زده‌اند ! زمان، زمان عبور از کلیشه‌هاست! این مردم از تکرار بیزارند! دنبال هوای تازه هستند! دموکراسی و آزادی و پایان هر نوع خودکامگی! ایران فردا، یک ایران آزاد با یک دموکراسی فراگیر و غیرمتمرکز و رعایت حقوق همه ملیت‌های ساکن در آن خواهد بود. بازگشت به گذشته، هرگز!

جمله پزشکیان رئیس جمهور دست نشانده خامنه‌ای و قالیباف رئیس مجلس رژیم که مطابق معمول سعی کردند با ربط دادن اعتراضات به خارج از مرزها اذهان عمومی را به سمت دیگری منحرف کنند با تشدید نارضایتی‌ها به شکست انجامید. نگاهی به شعارهای داده شده از همان آغاز تاکنون نشان می‌دهد اعتراضات ادامه همان روندی است که از انقلاب ژینا آغاز شد و سمت و سوی آن براندازی نظام جمهوری اسلامی است و نه چیز دیگری! واقعیت این است چهل و چند ساله عمر ننگین جمهوری اسلامی ماهیت این رژیم را به گونه‌ای آشکار کرده است که دیگر هر تغییر و حرکتی داخل ساختار جمهوری اسلامی از نگاه عموم مردم ایران بی اهمیت و بی اعتبار است و عامه مردم به شکل مشخصی از جمهوری اسلامی عبور کرده‌اند.

رژیم جمهوری اسلامی که از آغاز این اعتراضات برخلاف انقلاب ژینا سعی کرد با پوشش کاملاً هدفمند و پخش برخی شعارهای صنفی، آنرا صرفاً یک حرکت اعتراضی اقتصادی جلوه دهد اینک با گسترش اعتراضات و کشیده شدن آن به شهرهای مختلف دچار یک شوک بزرگ شده است.

تداوم این حرکت اعتراضی و پیوستن شهرهای مختلف دیگر می‌تواند آغاز یک تغییر بزرگ در روند اعتراضات چند سال اخیر بعد از رویدادهای انقلاب ژینا باشد و پایانی بر کابوس جمهوری اسلامی! نکته مهم دیگر در این روزهای تلاش تعدادی از رسانه‌های متعلق به جریان



حدی از فساد می‌رسد که دیگر برای ادامه حیات خود مجبور به بازتولید فساد است و سیستم از درون خود را نابود می‌کند. جنگ‌طلبی‌ها، یاهو گویی‌ها و بلندپروازی‌های بی ثمر و بی دلیل رژیم که تنها دستاوردش تحریم‌های بین‌المللی بود آخرین رمق‌های این سیستم فاسد را هم گرفته است. سقوط آزاد ریال که از سال‌ها پیش آغاز شده، در چند ماه اخیر به طرز بی سابقه‌ای شدت گرفته است و اینک عملاً امکان هرگونه داد و ستد را فلج کرده است. اعتراضات روزهای اخیر که با میدان داری بازاریان آغاز شد و اینک به دانشگاه‌ها هم کشیده شده است بار دیگر نشان داد که وضعیت جمهوری اسلامی چقدر شکننده و ناپایدار است.

اظهارات سردمداران جمهوری اسلامی از

اوایل عمر ننگین رژیم برای راضی نگه داشتن قشر فقیر جامعه طراحی شده بود بعدها تحت عنوان یکسان سازی قیمت‌ها از بین رفت و زخم عمیقی در تمامی این سال‌ها به دلیل سیاست غلط رژیم ایجاد شده بود، حالا به شکلی عجیب سرباز کرده و تضاد طبقاتی بیش از هر زمان دیگری خود را نشان داد با این تفاوت که هر چه جلوتر رفت هم این فاصله بیشتر شد و هم جمعیت ندار و فقیر جامعه بیشتر و بیشتر! طرح به اصطلاح خصوصی سازی که در واقع واگذاری سیستم اقتصادی کشور به فرماندهان و کارتل‌های سپاه تروریستی پاسداران بود وضعیت را وخیم تر کرد. این آغاز فرآیندی بود که در علم اقتصاد از آن به عنوان فساد سیستماتیک یاد می‌شود و معنی آن این است که یک سیستم به

اقتصاد بیمار و ساختار سیاسی فاسد حاکم بر جمهوری اسلامی، رژیم حاکم بر تهران را در چنان باتلاقی گرفتار کرده است که حتی از نگاه خوش بین ترین هواداران جمهوری اسلامی هم برون رفت از آن غیرممکن و محال می نماید. سقوط آزاد ارزش پول ملی، دیگر توانی بر این اقتصاد نامعلوم دولتی سرمایه داری باقی نگذاشته است. سیستمی که از همان زمان استقرار جمهوری اسلامی تاکنون در یک دور باطل و بسته در دست سردمداران فاسد رژیم می‌چرخد! جمهوری اسلامی که با وعده آب و برق مجانی بر سر کار آمد، حالا ناتوان از کنترل قیمت‌ها حتی برای چند روز، در آستانه فروپاشی تمام عیار اقتصادی است!

سیستم کوپنی جمهوری اسلامی که در

“کوردستان” از دولت‌داری تا تداوم در تبعید

قبل از خدا حافظی



ناهید حسینی

هشتاد سال از انتشار نخستین شماره روزنامه «کوردستان» می‌گذرد؛ هشتاد سالی که نه‌فقط عمر یک نشریه، بلکه تاریخ پر فراز و نشیب یک ملت، یک جنبش و یک آرمان را در خود جای داده است. «کوردستان» از همان آغاز، صرفاً یک روزنامه نبود؛ بلکه صدای رسمی قدرت اجرایی جمهوری کوردستان، تربیون اراده سیاسی ملتی محروم از حقوق ملی، و آینه آرزوهای جمعی کوردها برای آزادی، عدالت و کرامت انسانی به شمار می‌آمد. انتشار روزنامه «کوردستان» در بستر شکل‌گیری جمهوری کوردستان در شهر مهاباد، هم‌زمان بود با تجربه‌ای کم‌نظیر از دولت‌داری کوردی. در آن مقطع حساس تاریخی، این روزنامه نه‌تنها وظیفه اطلاع‌رسانی، بلکه مسئولیت تثبیت مشروعیت سیاسی، ترویج آگاهی عمومی و صورت‌بندی زبان رسمی یک دولت نوپا را بر عهده داشت. «کوردستان» در آن دوران، هم‌زمان زبان دولت و ملت بود؛ پلی میان قدرت اجرایی و جامعه‌ای که برای نخستین بار خود را در قامت یک سوزده سیاسی مستقل باز می‌یافت.

پس از فروپاشی جمهوری کوردستان و سرکوب بی‌رحمانه آن تجربه کوتاه‌عمر، بسیاری بر این باور بودند که «کوردستان» نیز به سرنوشت دیگر نهادها و مراکز آن دولت دچار خواهد شد. اما تاریخ مسیر دیگری را رقم زد.



شکلی دیگر به تداوم بدل شود؛ تداومی که در آن قلم به میهن تبدیل می‌شود و حافظه جمعی جای نهادهای از دست‌رفته را می‌گیرد. گرامیداشت هشتاد سال انتشار «کوردستان»، در حقیقت ادای احترام به تداوم اراده‌ای است که در دل تجربه‌ای کوتاه از دولت‌داری زاده شد و دهه‌ها سرکوب و تبعید را پشت سر گذاشت. «کوردستان» در خود پرسشی بنیادین را حمل می‌کند: چگونه می‌توان دولت نداشت، اما سکوت را نیز برنگزید؟ پاسخ این پرسش در تاریخ خود این روزنامه ثبت شده است؛ تاریخی که نشان می‌دهد صدایی که ریشه در حق، هویت و کرامت انسانی دارد، حتی در تبعید نیز خاموش نخواهد شد.

از منظر تاریخی، تداوم «کوردستان» در تبعید نشان می‌دهد که دولت‌داری صرفاً به معنای استقرار فیزیکی بر خاک و برخورداری از نهادهای رسمی نیست، هرچند این عناصر بنیادین‌اند، بلکه می‌تواند در قالب گفت‌وگو، حافظه جمعی و سازماندهی سیاسی نیز استمرار یابد. روزنامه «کوردستان» یکی از ستون‌های اصلی این تداوم بوده است؛ بستری که ایده حاکمیت ملی کوردی را از نسلی به نسل دیگر منتقل کرده است.

امروز، در هشتادمین سالگرد انتشار «کوردستان»، این روزنامه نه فقط یادگار یک دوره تاریخی، بلکه سندی زنده از پایداری سیاسی و فرهنگی یک ملت است. «کوردستان» گواه آن است که تبعید لزوماً به معنای انقطاع نیست، بلکه می‌تواند در

جامع‌تر از مسئله کورد در ایران ارائه دهد. صفحات این روزنامه به بستری برای ثبت تجربه‌های پیروزی و شکست، فراز و نشیب‌های مسیر مبارزه و تحلیل شرایط داخلی و منطقه‌ای تبدیل شد. بدین‌سان، «کوردستان» از چارچوب یک نشریه صرفاً خبری فراتر رفت و به حافظه مکتوب یک جنبش سیاسی ارتقا یافت.

نکته مهم در تداوم حیات «کوردستان» آن است که این نشریه هرگز در حصار گذشته‌ای نوستالژیک محبوس نماند. هرچند جمهوری کوردستان همواره یکی از ایستگاه‌های محوری در روایت تاریخی آن بوده است، اما این تجربه همواره در پرتو شرایط جدید تحلیل و بازخوانی شده است. «کوردستان» در تبعید، دولت‌داری را نه به‌عنوان خاطره‌ای بسته، بلکه به‌مثابه افقی گشوده و امیدی زنده برای آینده ترسیم کرده است؛ افقی که همچنان در ذهن و مبارزه سیاسی ملت کورد حضور دارد.

در این روند، «کوردستان» نقش مهمی در تثبیت و روایت مشروعیت سیاسی حزب دموکرات کوردستان ایران ایفا کرده است. انتشار منظم بیانیه‌ها، تحلیل‌ها و مواضع رسمی حزب، این روزنامه را به مرجعی اصلی برای تبیین خط‌مشی سیاسی حزب و روشن‌گری برای اعضا، هواداران و افکار عمومی تبدیل کرده است. هم‌زمان، «کوردستان» کوشیده مرزهای یک نشریه صرفاً حزبی را پشت سر بگذارد و به صدای مطالبات عمومی جامعه، از حقوق ملی و آزادی‌های دموکراتیک گرفته تا عدالت اجتماعی، بدل شود.

آنچه فروپاشید، ساختار دولت بود؛ نه اراده سیاسی و نه حافظه جمعی یک ملت. روزنامه «کوردستان» اگرچه از جغرافیای دولت خود جدا شد، اما از مسئولیت تاریخی خویش فاصله نگرفت. از همین‌جا فصل تازه‌ای در حیات این نشریه آغاز شد: فصل تداوم در تبعید.

در تبعید، «کوردستان» دیگر ارگان یک دولت مستقر نبود، اما همچنان حامل ایده دولت‌داری و حق حاکمیت ملی باقی ماند. این روزنامه به‌تدریج به ارگان رسمی کمیته مرکزی حزب دموکرات کوردستان ایران بدل شد و در این جایگاه، نقش خود را با شرایط جدید بازتعریف کرد.

«کوردستان» در تبعید، به صدای مقاومت و پایداری تبدیل شد؛ صدایی که اجازه نداد شکست سیاسی و نظامی جمهوری جوان‌مرگ کوردستان در طوفان فراموشی محو شود یا به خاطره‌ای صرفاً نوستالژیک تقلیل یابد. در دهه‌های پس از آن تجربه تاریخی، این روزنامه به یکی از مهم‌ترین ابزارهای حفظ انسجام گفت‌وگو ملی کوردی بدل شد. در شرایطی که سرکوب، سانسور و گسست جغرافیایی ارتباطات اجتماعی و سیاسی را دشوار ساخته بود، «کوردستان» همچون شبکه‌ای پیونددهنده، گذشته را به حال و حال را به آینده متصل کرد. تداوم انتشار آن در تبعید، خود شکلی از مقاومت بود؛ مقاومتی فرهنگی، سیاسی و نمادین.

در این مقطع از تاریخ خود، «کوردستان» هم‌زمان با بازتاب مبارزات سیاسی و نظامی حزب دموکرات، کوشید تصویری